اصفهان زیبا

اصفهانِ من، شهرِ زندگی

سال بیست‌ودوم | شماره ۵۵۰۵ | شنبه ۱۶ آبان ۱۴۰۵ | ۲۷ جمادی‌الاول ۱۴۴۸ | 7 OCT 2026 | ۸ صفحه | ۲۰۰۰۰ تومان | esfahanzibaonline.ir

سه طرح شهرداری برای عرضه مستقیم کالا و تثبیت قیمت اقلام ضروری بررسی شد

مدیریت شهری ۰۳

برگزاری انتخابات شوراها به اعلام رسمی پایان جنگ بستگی دارد

مدیریت شهری ۰۳

بازخوانی تاریخ استعمار ضرورتی برای حفظ هویت ایران



تاریخ کشور نباید از زاویه نگاه استعمارگران و بر اساس الگوهای فکری آن‌ها روایت شود؛ بلکه باید با تکیه بر تجربه تاریخی ملت ایران، دخالت‌ها و نفوذ قدرت‌های بیگانه و پیامدهای آن در تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور بررسی شود؛ زیرا ملتی که گذشته خود را فراموش کند، به تدریج هویت را از دست خواهد داد

غلامعلی حدادعادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی



انقلاب اسلامی دو اقدام بزرگ و تأثیرگذار انجام داد: نخست، اسلام را به متن زندگی مردم بازگرداند و دوم، در برابر استعمار ایستادگی کرد؛ اما این دو جریان به یک اندازه تقویت نشدند و مورد توجه قرار نگرفتند. شناخت استعمار باید به یکی از محورهای جدی مطالعات تاریخی، سیاسی و فرهنگی کشور تبدیل شود

موسی نجفی، رئیس خانه مشروطیت اصفهان

اطلاع‌رسانی ۰۴



جوانه‌های نوآوری در مسیر اقتصاد چرخشی

در نشست «جوانه» با پیوند صنعت، دانشگاه و استارتاپ‌ها ظرفیت‌های تبدیل پسماند به فرصت‌های اقتصادی و فناورانه بررسی شد

اطلاع‌رسانی ۰۵

هواپیما نشینان دیروز اتوبوس سواران امروز!

مقایسه هزینه سفر زمینی و هوایی در ایران و ترکیه، نشان می‌دهد دامنه قیمت مسافرت هوایی در ایران محدود و گرانتر است



لیلا مقیمی

افزایش ۴۰ درصدی بلیت هواپیما در ماه جاری از سوی سازمان هواپیمایی کشور تکذیب شد و این سازمان از شهروندان خواست اطلاعات قیمتی را فقط از سامانه‌های معتبر دریافت کنند؛ اما قیمت بلیت هواپیما و همچنین استفاده از این وسیله حمل‌ونقل، برای سفرهای خارجی و داخلی برای اقشار مختلف کشور همچنان گران به شمار می‌آید و از پس تأمین هزینه آن برنمی‌آیند؛ برای همین در خیلی از مواقع مجبورند، عطای سوارشدن به هواپیما را به لقایش ببخشند و از وسایل دیگر مثل خودروی شخصی یا اتوبوس و... استفاده کنند؛ این موضوعی است که مرکز پژوهش‌های مجلس نیز آن را تأیید می‌کند. براساس نتایج گزارشی با عنوان «آسیب‌شناسی لوکس انگاری حمل‌ونقل هوایی در قوانین و مقررات کشور» که این مرکز انجام داده است و رسانه‌ها نیز آن را منتشر کرده‌اند، ۷۹ درصد افرادی که طی دو سال گذشته به سفر داخلی با هواپیما تمایل داشته‌اند، به دلیل گرانی بلیت، از خیر این شیوه سفر گذشته‌اند. این مسئله برای مقاصدی مانند جزایر کیش و قشم که از سویی، هواپیما تنها شیوه متعارف سفر به آن‌هاست و از سوی دیگر، بخش مهمی از اقتصاد آن‌ها به حضور گردشگران وابسته است، اهمیت بیشتری دارد. بر اساس این تحلیل کارشناسی، تورم نرخ بلیت هواپیما در مقایسه با...

جامعه ۰۸

سرمقاله

تأملی در منطق ظرفیت‌آفرینی نظام مدیریت فرهنگی



علی‌اکبر بقایی، فعال حوزه فرهنگ

فرهنگ عمومی ۰۶

جنگ همان جنگ است

تجربه تاریخی ملت ایران نشان داده است سیاست‌های کلان ایالات‌متحده با تغییر احزاب حاکم دگرگون نخواهد شد

سیاست ۰۲

شعر، حافظه روشن تصویرها برای چشمانی که نمی‌بینند

آمنه قاسمی، شاعر و وکیل نابینای خمینی‌شهری دنیای نادیدنی‌اش را با غزل‌هایش تماشایی کرده است



سیده نرگس نظام‌الدین

سیاهی برای آمنه قاسمی پایان جهان نیست؛ نقطه‌ای است که می‌توان از آن عبور کرد و به روشنایی رسید. شاید همین نگاه را بتوان در عنوان نخستین مجموعه شعر او، «بالاتر از سیاهی»، نیز جست‌وجو کرد؛ کتابی که از تجربه‌های شاعری می‌گوید که جهان را در حد نور می‌بیند؛ اما در شعرهایش به تصویرهایی فراتر از آنچه چشم می‌تواند دریافت کند، جان می‌بخشد. قاسمی، متولد بهمن ۱۳۶۲ و ساکن خمینی‌شهر، کارشناس ارشد حقوق خصوصی از دانشگاه اصفهان، دارای مدرک کارشناسی روان‌شناسی و وکیل پایه یک دادگستری است. او که از بیماری شبکیه رنج می‌برد، از کودکی با محدودیت بینایی مواجه بوده و اکنون تنها نور را تشخیص می‌دهد؛ با این حال، این محدودیت مانع پیگیری تحصیل، فعالیت حرفه‌ای و زیستن در جهان ادبیات نشده است. علاقه به ادبیات و حضور در انجمن‌های شعر، از سال ۱۴۰۰ مسیر جدی شاعری را برای او رقم زد؛ راهی که با آموختن وزن و اصول شعر، شنیدن و خواندن آثار دیگران و پذیرفتن نقدها ادامه یافت و پاییز سال گذشته به انتشار نخستین مجموعه شعرش، شامل ۳۳ قطعه در قالب‌های غزل و چهارپاره، در انتشارات گفتمان اندیشه معاصر انجامید. برای قاسمی، شعر راهی برای بیرون‌کشیدن احساسات انباشته، رسیدن به آرامش و حفظ تصویرهایی است که ...

کتاب و ادبیات ۰۷

esfahan ziba online .ir
اصفهان زیبا
شماره ۵۵۰۵
۱۴۰۵ / ۰۸ / ۱۶
شنبه
ویراستار و دبیر صفحه / پگاه ظاهری

جنگ همان جنگ است

تجربه تاریخی ملت ایران نشان داده است سیاست‌های کلان ایالات متحده با تغییر احزاب حاکم دگرگون نخواهد شد



پگاه ظاهری
دبیر گروه سیاست

انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا در سوم نوامبر ۲۰۲۶ با پیروزی حزب دموکرات و از دست رفتن کنترل هر دو مجلس نمایندگان و سنا از سوی جمهوری‌خواهان به پایان رسید و نتایج آن مطمئنا معادلات سیاسی واشنگتن و مسیر دولت دونالد ترامپ در دو سال باقی‌مانده از دوره ریاست جمهوری‌اش را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دموکرات‌ها در انتخابات سوم نوامبر توانستند علاوه بر بازپس‌گیری اکثریت کنگره، در شماری از ایالت‌های سنتی جمهوری‌خواه، از جمله تگزاس، کانزاس و کارولینای جنوبی، به پیروزی‌های کم‌سابقه‌ای دست پیدا کنند که گویای تحول محسوس آرایش سیاسی در لایه‌های گوناگون جامعه آمریکاست. نارضایتی از عملکرد دولت ترامپ در افزایش هزینه‌های زندگی، نگرانی‌های اقتصادی و سیاست‌های مهاجرتی از جمله موضوعات مؤثر بر رفتار رأی‌دهندگان بود. در این میان، جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران و پیامدهای اقتصادی و سیاسی آن نیز به یکی از محورهای مهم انتخابات تبدیل شد؛ آن‌طور که ترامپ پس از شکست حزبش، نقش آن را در نتایج انتخابات پذیرفت. اکنون نیز با شکل‌گیری اکثریت دموکرات در کنگره، دولت ترامپ با شرایط متفاوتی در عرصه قانون‌گذاری و نظارت پارلمانی روبه‌رو خواهد شد؛ شرایطی که علاوه بر محدود کردن پیشبرد برنامه‌های داخلی کاخ سفید، می‌تواند بر تصمیمات نظامی و سیاست واشنگتن در قبال تهران هم تأثیر بگذارد. «اصفهان زیبا» در بررسی تخصصی پیامدهای این تحولات در موازنه قوای منطقه‌ای و آینده سیاست خارجی ایالات متحده، با دو تن از کارشناسان حوزه بین‌الملل به گفت‌وگو نشست که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.



محمد محمودی‌کیا
عضو هیئت علمی پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی

تسخیر کنگره و تأثیر آن بر سرنوشت سیاست خارجی آمریکا

حضور و پیشروی دموکرات‌ها در سنا و مجلس نمایندگان (کنگره) ظرفیت آن را دارد که فشارهای سیاسی و تقنینی قابل توجهی را بر رئیس‌جمهور جمهوری‌خواه آمریکا وارد سازد. با این حال، تحلیل واقع‌بینانه ساختار سیاسی ایالات متحده نشان می‌دهد که این فشارها عمدتا بر حوزه سیاست داخلی و حیطه اختیارات اجرایی رئیس دولت متمرکز است.

در نقطه مقابل، در قلمرو سیاست خارجی و دفاعی، قانون اساسی ایالات متحده اختیاراتی انحصاری و بسیار مبسوط را به شخص رئیس‌جمهور اعطا کرده است.

اگرچه در نگاه نخست، نوعی تقسیم کار و توازن میان شاخه اجرایی و تقنینی تعریف شده، در معادلات امنیت ملی و تصمیم‌گیری‌های نظامی، دست برتر همواره با رئیس‌جمهور است. پیروزی دموکرات‌ها بیش از هر چیز، فضای اصطکاک سیاسی را فعال می‌کند.

در این چارچوب، مهم‌ترین سازوکار نظارتی کنگره، اعمال «قدرت کیف پول» (کنترل و تخصیص بودجه) است.

نهاد قانون‌گذاری این اختیار را دارد که ردیف‌های بودجه درخواستی کاخ سفید را برای امور دفاعی، مصارف نظامی یا کمک‌های خارجی تعدیل کند، تخصیص آن‌ها را مشروط سازد یا حتی دست به انسداد اعتبارات بزند. علاوه بر کنترل مالی، کارویژه «نظارت و انجام تحقیقات رسمی» از دیگر ابزارهای اثرگذار کنگره به‌شمار می‌رود. مجلسی تحت رهبری اکثریت مخالف می‌تواند کارزارهای تحقیقی گسترده‌ای پیرامون اقدامات قوه مجریه، همچون تصمیم‌گیری‌های کلان نظامی را کلید بزند و وزرا و مقامات کلیدی را برای پاسخگویی و بازخواست احضار کند؛ امری که بارِ روانی و سیاسی سنگینی را متوجه قوه مجریه می‌سازد.

در کنار ابزارهای عمومی کنگره، حوزه انتصابات دولتی جایگاهی ویژه دارد که در آن مجلس سنا به عنوان کنشگر اصلی ایفای نقش می‌کند. تأیید صلاحیت مناصب عالی رتبه شامل وزیر دفاع، وزیر امور خارجه و سفرای بین‌المللی مستلزم چراغ سبز سنا است و در این نقطه، سنا اهرمی نیرومند برای مانور و هدایت روندهای اجرایی در اختیار دارد. همچنین کنگره صلاحیت تدوین و تصویب قوانینی را داراست که اختیارات اجرایی رئیس‌جمهور را در موضوعاتی مشخص محدود سازد. با این وجود، حق انحصاری «وتوی رئیس‌جمهور» موازنه‌ای بازدارنده ایجاد می‌کند؛ چنان‌که ترامپ نیز با تکیه بر این اهرم تصریح داشته که در صورت تسلط دموکرات‌ها، از موضع وتو با مصوبات پارلمانی مواجه خواهد شد.

البته شکستن وتوی رئیس‌جمهور مستلزم رأی موافق اکثریت دوسومی هر دو مجلس است؛ روندی بسیار دشوار، پرهزینه و نادر که در ساختار دوقطبی واشنگتن کمتر مجال تحقق می‌یابد. از این رو، اختیارات اجرایی رئیس دولت در مسائل دفاعی و سیاست خارجی باقی می‌ماند و فشارهای پارلمانی لزوما به معنی تغییر بنیادین در ریل‌گذاری کلان یا کاهش تنش‌های منطقه‌ای نخواهد بود.

حتی این فرضیه به شکل جدی مطرح است که رئیس‌جمهور برای مدیریت آرایش جدید نیروهای سیاسی در داخل، جبران تغییر در سبد آرا و تحکیم اقتدار شخصی، به اتخاذ رویکردی تهاجمی‌تر و رادیکال‌تر در صحنه بین‌الملل روی آورده و از گستره اختیارات خود بهره‌برداری حداکثری کند.

تلاقی اختیارات قانون اساسی، قانون اختیارات جنگ ۱۹۷۳ و پرونده ایران

منظومه حقوقی حاکم بر تفکیک قوا در سیاست خارجی و عملیات نظامی ایالات متحده از سازوکارهای حقوقی پیچیده‌ای تبعیت می‌کند؛ اختیارات رئیس‌جمهور در فرماندهی کل نیروهای مسلح، هدایت مستقیم عملیات میدانی، نمایندگی انحصاری کشور در تعاملات دیپلماتیک و حق انحصاری پیشنهاد و انعقاد معاهدات بین‌المللی و انتصاب سفرا (که معاهدات نیازمند دوسوم آرای سنا و سفرا محتاج اکثریت مطلق آن هستند) می‌باشد. اختیارات سه‌گانه کنگره نیز اختیار حقوقی و انحصاری اعلام رسمی جنگ، قدرت کیف پول و تأمین مالی ارتش و کمک‌های تسلیحاتی و در نهایت، ابزارهای نظارتی بر تعاملات تجاری و خارجی است. در این میان، تصویب «قانون اختیارات جنگ ۱۹۷۳» به‌عنوان تلاشی برای توازن این دو شاخه مطرح شد.

این قانون مقرر می‌دارد که رئیس‌جمهور موظف است ظرف ۴۸ ساعت پس از آغاز هرگونه خصومت نظامی، گزارشی جامع به کنگره ارائه نماید. بر اساس این مصوبه، استقرار نیروها محدود به ۶۰ روز است و ۳۰ روز دیگر نیز برای خروج نیروها لحاظ شده است (مجموعاً یک بازه ۹۰ روزه). در پایان این مهلت، ادامه هرگونه عملیات مستلزم کسب مجوز رسمی و صریح از کنگره است، در غیر این صورت عملیات باید متوقف و خاتمه‌یافته قلمداد شود.

با این حال، در ارتباط با پرونده ایران و منازعات پیرامونی، تفسیری ویژه در کاخ سفید شکل گرفته است؛ ترامپ بر این مبنا استدلال می‌کند که بازه اولیه ۶۰ روزه به پایان رسیده و چنانچه ورود به رویارویی یا منازعه تازه‌ای با ایران مدنظر باشد، نیازی به تصویب مجدد کنگره نخواهد بود.

توجیه ارائه‌شده آن است که با شروع فاز جدید، یک چرخه ۶۰ روزه تازه به همراه مهلت ۳۰ روزه تمدید خروج بازتعریف می‌شود و این سرآغاز نو، از آنجا که منازعه قبلی پایان‌یافته تلقی شده، محدودیت تقنینی سابق را بلااثر می‌سازد.

این تدبیر حقوقی نشان می‌دهد که چگونه محدودیت‌های زمانی می‌توانند در عمل توسط اختیارات تفسیری قوه مجریه دور زده شوند. فارغ از مناقشات مبتنی بر ساختار رسمی قانون اساسی، قدرت سیاسی در ایالات متحده دارای ماهیتی عمیق، لایه‌مند و تا حدی ناپیداست که در چارچوب آن، بازی احزاب سیاسی و دستگاه‌های رسانه‌ای قابل بررسی است.

منطق حاکم بر قدرت سیاسی در آمریکا مبتنی بر این اصل است که جریان‌های ثروت و بازارهای مالی، از مجرای رقابت‌های انتخاباتی و لابی‌گری، منابع اقتصادی را به «نفوذ پایدار نهادی» بدل می‌سازند و رسانه‌های وابسته نیز شتاب‌دهنده این جریان هستند.

ابعاد مالی سرسام‌آور این ساختار در انتخابات‌های اخیر کاملا مشهود است؛ کما اینکه برآوردها نشان می‌دهد هزینه‌های تبلیغاتی رقابت‌های میان‌دوره‌ای به ارقام بی‌سابقه‌ای معادل ۱۱.۵ میلیارد دلار رسیده که آن را به گران‌ترین انتخابات میان‌دوره‌ای تاریخ ایالات متحده مبدل ساخته است.

در کانون این فرآیند، پدیده موسوم به «پول تاریک» قرار دارد؛ منابع مالی عظیمی با مبادی پنهان و کارگزاران غیررسمی که از طریق شبکه‌ای پیچیده از سازمان‌های غیرانتفاعی معاف از مالیات و کمیته‌های اقدام سیاسی به بدنه رقابت‌ها پمپاژ می‌شوند. در این ساختار، نفوذ مستقیم ابرثروتمندانی نظیر ایلان ماسک در تزریق منابع به سود پایگاه جمهوری‌خواهان عیان است. همچنین تحرکات لابی‌هایی در فرایندهای مقدماتی ایالتی از جمله تزریق ارقام سنگین نزدیک به ۳۰ میلیون دلار برای هدایت و پیروزی نامزدی خاص در سنای میشیگان نشان‌دهنده مکانیسم‌های هدایت‌شده خرید نفوذ در صحنه تصمیم‌سازی است.

لابی‌گری و دوقطبی‌سازی احساسی

تبدیل کمک‌های مالی انتخاباتی به نفوذ پایدار از طریق سازوکار «لابی‌گری» و الگوی شناخته‌شده در قالب یک مثلث محقق می‌شود. این پدیده حاصل پیوند سه ضلع اساسی کمیته‌های تخصصی کنگره، ساختار بوروکراتیک و اجرایی دولت و گروه‌های ذی‌نفوذ و حامیان مالی خاص است.

این اضلاع با تبادل دائمی داده‌ها، رانت‌ها و منابع اعتباری، جبهه‌ای مشترک برای بقا و حفظ منافع می‌سازند. با پایان مأموریت رسمی نمایندگان یا کارمندان ارشد کنگره، «درهای چرخان» سیاست فعال شده و آنان در کسوت لابی‌گران حرفه‌ای ظاهر می‌شوند. این شبکه نفوذ تا آنجا پیش می‌رود که در روندی مستمر، پیش‌نویس طرح‌ها، لوایح و قوانین کلیدی کنگره را شخصا نگارش و در مجاری تقنینی تزریق می‌کند.

در ضلع دیگر، شبکه رسانه‌های کابلی جناحی، پادکست‌های سیاسی و رسانه‌های نوین اجتماعی با مهندسی اطلاعات، دست به «قطبی‌سازی شدید عاطفی» در بدنه جامعه می‌زنند. این رسانه‌ها رأی‌دهندگان پرشور و ایدئولوژیک مقدماتی را تهییج کرده و بدین‌وسیله چرخه بازتولید قدرت را تکمیل می‌کنند.

به دلیل تفوق همین ساختار است که مطالبات دارای پشتوانه وسیع در افکار عمومی (همچون لوایح مهار و کنترل سلاح یا تدابیر جامع اقلیمی) سال‌ها در پیچ و خم‌های فرسایشی مسدود می‌مانند، حال آنکه منافع انحصاری حامیان پشت پرده به شکلی پیوسته در ریل اجرا قرار دارد.

لذا انگاره استقلال کامل احزاب و امکان چرخش بنیادی رویکردها صرفا با جابه‌جایی کرسی‌ها در کنگره، خوانشی ناقص و سطحی از پیچیدگی‌های سیاسی آمریکاست. در کنار لایه‌های پنهان سرمایه و تکالیف قانونی، مؤلفه فردی و تیپ‌شناسی روان‌شناختی دونالد ترامپ نیز عاملی تعیین‌کننده است. ترامپ کنشگری با روان‌شناسی «منطق تجاری» محض است؛ بینشی که صرفا بر سود و زیان ملموس، مادی و آنی ابتنا دارد.

او برخلاف سیاستمداران کلاسیک که سلسله‌مراتب نهادی و کادرسازی حزبی را پله‌به‌پله طی کرده‌اند، مستقیما از تامسفر بازارهای مالی، املاک، مستغلات و معاملات پرتنش تجاری به ساختار قدرت سیاسی پرتاب شده است. این خاستگاه موجب می‌شود که او کلیه معادلات روابط بین‌الملل را با همان عینک معاملات تجاری بنگرد. چنین تیپ شخصیتی متمایزی، هنگامی که با اختیارات نامحدود حوزه فرماندهی کل قوا در قانون اساسی تلاقی می‌یابد، محرکی جدی برای پیشبرد یک «سیاست خارجی تهاجمی‌تر» در جهت نمایش قدرت فردی و مانورهای اقتدارگرایانه خواهد بود؛ بنابراین در هرگونه ارزیابی راهبردی، نباید تأثیرات عمیق این خصلت‌های روان‌شناختی نادیده انگاشته شود.

در نهایت پاسخ به این پرسش که جابه‌جایی کرسی‌ها تا چه پایه دولت ترامپ را زمین‌گیر می‌سازد، حاکی از آن است که بیشترین اصطکاک‌ها در سیاست‌های ایالتی و امور داخلی از قبیل قوانین مالیاتی، چارچوب‌های مهاجرتی و اصلاحات رفاهی خود را نشان خواهد داد، در حالی که در قلمروهای دفاعی و خارجی اختیارات رئیس‌جمهور و اهرم وتو دست بالا را حفظ می‌کند.

علاوه بر این، ساختار انتخاباتی ایالات متحده دارای ماهیتی مهندسی‌شده است؛ به نحوی که حوزه‌های نمایندگی مجلس و سنا در بسیاری از ایالات طی دهه‌های متوالی (۶۰ تا ۹۰ سال) به شکلی انحصاری و تضمین‌شده در کنترل یک حزب مشخص (برای مثال جمهوری‌خواهان) پایدار مانده است. در ترکیب سنا، توزیع سنتی قدرت فارغ از نسبت جمعیتی شکل گرفته و هر ایالت از سهمیه‌ای برابر با دو کرسی برخوردار است (مجموع ۱۰۰ کرسی)، در حالی که ترکیب جمعیتی مجلس نمایندگان تنوع جمعیتی را بازتاب می‌دهد.

این دوگانگی در ساختار «الکترال کالج» نیز نمود عینی دارد؛ جایی که آرای الکترال مهندسی‌شده، مسیر پیروزی را تعیین می‌کند. تبلیغات معطوف به تغییر مرزبندی‌ها یا ترکیب حوزه‌های رأی‌گیری نیز به عنوان ابزاری برای تثبیت دست برتر احزاب برای دهه‌های پیاپی در جریان است.

بازتاب‌های اجتماعی و هم‌پوشانی بحران‌های ساختاری هرگونه ریزش پایگاه‌های سنتی حزبی، بازتابی از واکنش منفی رأی‌دهندگان به پیامد تصمیمات داخلی و خطاهای راهبردی خارجی دولت‌هاست. در بعد داخلی تصمیمات ترامپ از جمله تلاش برای ابطال قانون مراقبت مقرون به صرفه و اقدامات احساسی و تنش‌زا در مقوله مهاجرت، به تشدید نارضایتی‌های اجتماعی و دگرگونی در گرایش‌های عمومی انجامیده است.

در بعد خارجی و بحران انرژی نیز بحران‌ها زمانی تعمیق شد که سیاست‌های پرمخاطره دولت در حوزه خارجی و دفاعی، به طور خاص تنش‌ها و رویارویی‌ها با ایران، هزینه‌های اقتصادی سنگینی را تحمیل کرد. افزایش شدید بهای بنزین، حامل‌های انرژی و سوخت در داخل آمریکا موجی فراگیر از اعتراضات اجتماعی و واکنش منفی افکار عمومی را برانگیخت.

همزمانی این تنش‌ها با تخریب زیرساخت‌های انرژی در جریان جنگ روسیه و اوکراین و همچنین تجارب حملات به تأسیسات نفتی نظیر تأسیسات آرامکو در عربستان سعودی، وضعیت بازار سوخت را به یک بحران متقاطع و هم‌افزا مبدل ساخت.

از این رو، بن‌بست کنونی در ایالات متحده محصول تلاقی دو لبه قیچی است؛ از یک سو، تنش‌های ناشی از شکاف‌های قانونی و اجتماعی در سیاست داخلی و از سوی دیگر، خطاهای راهبردی در سیاست خارجی که آمریکا را در متن بحران‌های موازی بین‌المللی گرفتار ساخته و پیامدهای سنگین اقتصادی و امنیتی آن را به بطن جامعه و حوزه انرژی تحمیل کرده است.

تأثیر شکست انتخاباتی ترامپ بر سناریوهای جنگ و تقابل با ایران



محمدعلی بصیری
عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان

در تحولات کلان سیاست خارجی ایالات متحده و رژیم صهیونیستی، فارغ از اینکه دموکرات‌ها یا جمهوری‌خواهان در کاخ سفید و کنگره قدرت را در دست داشته باشند، راهبرد کلان این کشورها در قبال جمهوری اسلامی ایران همواره بر دو محور اصلی استوار بوده است؛ «تغییر نظام» یا در حداقل حالت، «مهار، کنترل شدید و تضعیف ایران». با این حال، تفاوت دو جناح سنتی ایالات متحده همواره در ابزار کاربست این راهبرد متجلی شده است. دموکرات‌ها رویکرد نرم‌افزاری نظیر محاصره اقتصادی، تحریم‌های حداکثری و تلاش برای براندازی داخلی و آشوب را ترجیح می‌دهند؛ درحالی‌که جمهوری‌خواهان بر ابزار سخت و خشن همچون حمله نظامی، محاصره دریایی و تقویت گروه‌های نیابتی و تجزیه‌طلب تمرکز دارند.

ائتلاف جنگ‌افروزی در بن‌بست

با تحولات اخیر و از دست رفتن اکثریت جمهوری‌خواهان و حامیان نتانیاهو در مجالس قانون‌گذاری رویه یکدست جنگ‌افروزی که طی یکی دو سال اخیر با حملات نظامی دوگانه به ایران اوج گرفته بود، پشتوانه داخلی خود را از دست داده است. چنانچه کنگره آمریکا به طور کامل در اختیار دموکرات‌ها یا مخالفان جنگ‌افروزی قرار گیرد، حداکثر تغییر در راهبرد واشنگتن، بازگشت از برخورد صرفا نظامی به سمت محاصره و برخورد بلندمدت اقتصادی خواهد بود. با این وجود، سناریوی رها کردن کامل ایران و خروج کشور از وضعیت تقابلی سیاسی و اقتصادی محقق نخواهد شد، اما تداوم ماجراجویی‌های نظامی با موانع و شک‌وتردیدهای جدی روبه‌رو می‌گردد.

طی دهه‌های گذشته، ایالات متحده تقریبا تمامی ابزار ممکن را برای مهار یا ساقط کردن نظام جمهوری اسلامی به کار بسته است؛ از کودتا، جنگ تحمیلی، محاصره اقتصادی و ژئوپلیتیک گرفته تا تحریم‌های دیپلماتیک، کریدورها و جنگ شناختی. «حمله مستقیم نظامی» آخرین برگی بود که جریان‌های موافق جنگ در آمریکا بر آن اصرار داشتند. نظریه‌پردازان جنگ مدعی بودند که ایران طی سه روز یا حداکثر سه هفته تسلیم خواهد شد، توان اتمی و موشکی‌اش نابود می‌گردد، محور مقاومت از میان می‌رود و کشور تجزیه می‌شود. جنگ در هشت ماهه اخیر اما خط بطلانی بر این توهمات کشید. اگرچه ضرباتی به زیرساخت‌ها وارد شد، اما هیچ‌یک از اهداف اعلامی محقق نشد. ناکامی در دستیابی به این اهداف راهبردی، به معنای شکست قطعی دکترین جنگ‌افروزی است. دونالد ترامپ که پیش‌تر با شعار پایان دادن به «جنگ‌های بی‌پایان و هزینه‌بردار» دولت‌های پیشین را دست انداخته بود، خود با به راه انداختن یک جنگ فرسایشی جدید در منطقه، بارهای سنگین اقتصادی را به دوش شهروندان غربی تحمیل کرد؛ امری که با افزایش تورم، بیکاری و سقوط شاخص‌های حمایتی، به نارضایتی عمیق رأی‌دهندگان آمریکایی انجامید و پیروزی مخالفان جنگ در انتخابات کنگره را رقم زد.

این درحالی است که سیستم ریاست جمهوری آمریکا در مسائل حساسی چون جنگ از اختیارات ویژه‌ای برخوردار است، اما وتوی رئیس‌جمهور در برابر مجلسی که با اقلیت حامی جنگ و اکثریت مخالف روبه‌روست، هزینه‌های سنگینی به دنبال دارد. از میان رفتن حمایت یکنواخت افکار عمومی و مجالس مقننه، مانع بزرگی بر سر راه تصمیم‌گیری‌های آنی و بدون محاسبه ایجاد می‌کند. درس بزرگ جنگ اخیر برای ساختارهای تصمیم‌گذاری در آمریکا، اروپا و غرب این است که هیچ برگ حداکثری دیگری برای براندازی در ایران باقی نمانده است. غرب دریافت که ایران کشوری نیست که بتوان آن را همچون برخی دولت‌های ضعیف منطقه به سادگی تسلیم کرد یا دولتی دست‌نشانده روی کار آورد. هزینه‌های گسترده نظامی، انسانی، اقتصادی، منطقه‌ای، بین‌المللی و حیثیتی این تقابل برای آمریکا و متحدانش اثبات کرد که ادامه این مسیر از نظر اقتصادی و سیاسی صرف نمی‌کند.

عوامل چندبعدی شکست؛ گره خوردن سیاست داخلی و خارجی

شکست ترامپ و جریان حامی او در انتخابات و عرصه‌های سیاسی، صرفا به یک عامل (نظیر سیاست جنگی) محدود نمی‌شود؛ بلکه برآیندی از شکست هم‌زمان در حوزه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. نارضایتی عمومی از وضعیت اقتصادی، تورم ناشی از هزینه‌های جنگ بر انرژی و حمل‌ونقل، به همراه زیاده‌خواهی‌های واشنگتن در قبال متحدان سنتی سبدی از نارضایتی عمومی را شکل داد که رأی‌دهندگان را به سمت تغییر سیاست‌ها و انتخاب رقیب سوق داد. در مجموع، تحولات انتخاباتی اخیر در ایالات متحده و رژیم صهیونیستی و تقویت جایگاه مخالفان جنگ‌افروزی، اگرچه به معنای توقف کامل سیاست‌های خصمانه و رفع تحریم‌ها نخواهد بود، اما سرنوشت فشار حداکثری نظامی و امنیتی را دستخوش تغییرات بنیادین خواهد کرد.

esfahan ziba online .ir
اصفهان زیبا
شماره ۵۵۰۵
۱۶ / ۰۸ / ۱۴۰۵
شنبه
ویراستار/ عذرا دیانی



محمد نورصالحی
رئیس شورای اسلامی شهر اصفهان

سه طرح شهرداری برای عرضه مستقیم کالا و تثبیت قیمت اقلام ضروری بررسی شد

رئیس شورای اسلامی شهر اصفهان از بررسی سه طرح شهرداری برای عرضه مستقیم کالاهای اساسی، میوه و محصولات غذایی با هدف کاهش قیمت‌ها و حمایت از معیشت شهروندان خبر داد و گفت: اجرای این طرح‌ها از این هفته به‌تدریج آغاز می‌شود.

محمد نورصالحی ضمن تشریح مباحث مطرح‌شده در جلسه کمیسیون تلفیق شورای اسلامی شهر اصفهان اظهارکرد: در جلسه تلفیق روز سه‌شنبه گذشته، ابتدا مباحث داخلی مجموعه شورای اسلامی شهرا و شهرداری با حضور شهردار اصفهان درباره تحقق درآمدها، برنامه‌ها، پیشرفت پروژه‌ها و برنامه‌ریزی برای سال آینده موردبررسی قرارگرفت.

او افزود : باتوجه به آغاز روند تدوین بودجه سال ۱۴۰۶ شهرداری اصفهان، شیوه‌نامه مربوط نیز مطابق روال سال‌های گذشته به شهرداری ارسال شده است و لازم بود پیش از ارائه لوایح، هماهنگی‌های لازم در این زمینه انجام شود.

رئیس شورای اسلامی شهر اصفهان گفت: بخش دیگری از جلسه به بررسی طرح‌های مربوط به تثبیت قیمت مایحتاج عمومی و اقلام ضروری اختصاص داشت که با همکاری شهرداری و سازمان سامان‌دهی مشاغل شهری و فراورده‌های کشاورزی شهرداری اصفهان در سه محور تدوین شده است.

نورصالحی اضافه کرد: این طرح‌ها شامل «از کارخانه تا خانه»، «از مزرعه تا سفره» و «تأمین کالای اساسی و تثبیت قیمت‌ها» است که با عناوینی همچون طرح «سود صفر» یا «خوش‌انصاف» نیز مطرح شده است.

او خاطرنشان کرد: در قالب طرح «از کارخانه تا خانه»، قرار است تولیدکنندگان شهر اصفهان و سایر تولیدکنندگانی که آمادگی دارند، محصولات خود را به‌صورت مستقیم از کارخانه به محل‌های عرضه منتقل کنند و کالاهایشان را با قیمت کارخانه و به‌صورت عمده در اختیار شهروندان قرار دهند.

رئیس شورای اسلامی شهر اصفهان ادامه داد: پیش از این جلسه‌ای با اتحادیه تولیدکنندگان مواد غذایی استان برگزار شد و تولیدکنندگان اعلام آمادگی کردند که در صورت اختصاص رایگان مکان از سوی شهرداری، محصولات خود را با حداقل قیمت عرضه کنند.

نورصالحی ادامه داد: شهرداری پنج نقطه را برای اجرای این طرح مشخص کرده و رایزنی‌ها در این زمینه در حال انجام است؛ همچنین موضوع در کارگروه‌های مرتبط استانداری نیز مطرح شد تا زمینه عرضه مستقیم محصولات غذایی تولیدکنندگان فراهم شود.

او با بیان اینکه طرح دوم با عنوان «از مزرعه تا سفره» با هدف عرضه مستقیم محصولات کشاورزی پیش‌بینی شده است، افزود: در این طرح، شهرداری حدود ۷۵ نقطه را جانمایی کرده است تا به‌صورت رایگان در اختیار تولیدکنندگان میوه، صیفی‌جات و سبزی‌ها قرار گیرد و امکان عرضه مستقیم محصولات بدون دریافت هزینه فراهم شود.

رئیس شورای اسلامی شهر اصفهان با بیان اینکه اجرای این طرح نیازمند همکاری دستگاه‌های دیگری همچون سازمان جهادکشاورزی و تعاون روستایی است، تصریح کرد: پیش‌بینی شده است محصولات از طریق سازمان تعاون روستایی ایران عرضه شود تا با حذف واسطه‌ها و عرضه مستقیم، شهروندان بتوانند این محصولات را با قیمتی به مراتب پایین‌تر از نرخ بازار تهیه کنند.

نورصالحی با بیان اینکه طرح سوم از طریق فروشگاه‌های کوثر و با محوریت تثبیت قیمت کالاهای اساسی اجرا می‌شود، خاطرنشان کرد: در این طرح، ۱۴ قلم کالای اساسی مشخص شده و تأمین مالی برای خرید عمده آن‌ها پیش‌بینی شده است تا امکان عرضه بدون افزایش قیمت، دست‌کم به مدت شش ماه فراهم شود.

او افزود: جلسه‌ای نیز با معاون اقتصادی استاندار اصفهان و با حضور مجموعه‌های مرتبط در اتاق بازرگانی برگزار شد و هر سه طرح به‌صورت مفصل موردبررسی قرارگرفت و درمجموع به جمع‌بندی و تثبیت رسید.

رئیس شورای اسلامی شهر اصفهان گفت: اجرای این طرح‌ها نیازمند همکاری و همراهی دستگاه‌های مختلف است و شهرداری به‌تنهایی نمی‌تواند تمام مراحل آن را پیش ببرد؛ ازاین‌رو، مشارکت استانداری اصفهان، سازمان جهاد کشاورزی، سازمان تعاون روستایی ایران، اتاق اصناف، اداره‌کل تعزیرات حکومتی و سایر نهادهای مرتبط برای تحقق این برنامه‌ها ضروری است.

نورصالحی ادامه داد: با نهایی‌شدن هماهنگی‌ها، انتظار می‌رود اجرای این طرح‌ها از این هفته به‌تدریج آغاز شود تا شهروندان اصفهانی بتوانند به کالاهای اساسی و سایر اقلام موردنیاز از طریق عرضه مستقیم و با قیمت مناسب‌تر دسترسی پیدا کنند.

او با اشاره به دیگر مصوبه‌های جلسه تلفیق عنوان کرد: لایحه مربوط به بررسی و سامان‌دهی شش مسجد در منطقه یک شهرداری اصفهان در قالب طرح «چشمه‌ها و فانوس‌های نورانی» نیز در جلسه مطرح و درباره آن بحث و جمع‌بندی شد.

رئیس شورای اسلامی شهر اصفهان افزود: تفریغ بودجه سازمان عمران و سازمان نوسازی و بهسازی شهرداری اصفهان که پیش‌تر در کمیسیون عمران، معماری، شهرسازی و بافت تاریخی شورای اسلامی شهر اصفهان بررسی شده بود، در جلسه تلفیق مطرح، و پس از بررسی، جمع‌بندی و نهایی شد تا در جلسه علنی روز یکشنبه شورا مطرح شود و تصمیم‌گیری نهایی درباره آن صورت گیرد.

نورصالحی خاطرنشان کرد: در هفته‌های آینده نیز تفریغ بودجه سایر سازمان‌های شهرداری به‌تدریج ابتدا در جلسه تلفیق و سپس در جلسه‌های علنی شورای اسلامی شهر اصفهان بررسی و مطرح خواهد شد.



عباسعلی علی‌خاصی
مدیر منطقه ۱۲ شهرداری اصفهان

ثبت بیش از ۱۰ هزار اقدام برای رفع تخلف‌های شهری در منطقه ۱۲ اصفهان

مدیر منطقه ۱۲ شهرداری اصفهان گفت: طی هفت ماه سال جاری بیش از ۱۰ هزار اقدام در حوزه پیشگیری و رفع تخلف‌های شهری انجام شده است که ازجمله آن می‌توان به رفع تخلف ۳۴۲۵ متصدی صنفی، جمع‌آوری ۹۴ خودروی فرسوده رهاشده و تعطیلی ۶۵ کارگاه ساختمانی متخلف اشاره کرد.

عباسعلی علی‌خاصی با اشاره به اقدام‌ها و فعالیت‌های اداره پیشگیری و رفع تخلف‌های شهری منطقه ۱۲ شهرداری اصفهان طی هفت ماه سال جاری اظهار کرد: برای رفع و پیشگیری از تخلف سدمعبر، در این مدت ۶۳۵۰ تذکر و ۴۳۵۰ اخطار صادر و تخلف ۳۴۲۵ متصدی صنفی رفع شده است.

او افزود: ۶۵۰ اخطاریه با موضوع جلوگیری از نصب تابلوهای غیرمجاز در فروردین، اردیبهشت، خرداد، تیر، مرداد، شهریور و مهر سال جاری صادر و ۵۱۰ مورد نیز رفع تخلف شده است.

مدیر منطقه ۱۲ شهرداری اصفهان با بیان اینکه در هفت ماه سال جاری در راستای جمع‌آوری خودروهای فرسوده رهاشده در معابر منطقه ۱۱۰ اخطاریه صادر و ۹۴ دستگاه از این خودروها جمع‌آوری شده است، گفت: در این مدت از بساط‌گستری و دست‌فروشی ۷۶۰ نفر جلوگیری شد و ۹۵ متکدی در این منطقه هدایت و ساماندهی شدند.

علی‌خاصی با بیان اینکه طی هفت ماه سال جاری در بخش کنترل ساختمان برای جلوگیری از ادامه فعالیت و تعطیلی کارگاه‌های ساختمانی متخلف یا بدون مجوز و پروانه ۷۶۰ مورد احداث زمین بایر جلوگیری شده است، گفت: در این مدت از افزایش طبقات ۱۱۵ ساختمان، تعمیرات داخلی غیرمجاز ۱۹۰ ساختمان، تبدیل وضعیت ۸۵ ساختمان و فعالیت ۶۰ کارگاه ساختمانی متخلف نیز جلوگیری شده است.

او ادامه داد: طی فروردین، اردیبهشت، خرداد، تیر، مرداد، شهریور و مهر سال جاری در راستای اجرای بند ۲۰ قانون شهرداری‌ها مبنی بر رفع مزاحمت کارگاه‌های صنفی مزاحم از طریق اجرای تمهیدها و تعطیلی ۱۲۵ رأی قضایی و بر اساس بند ۱۴ قانون شهرداری‌ها مبنی بر رفع خطر از بناهای حادثه‌آفرین، چاله‌ها و اشیای مشرف به معابر عمومی ۱۵۰ رأی اجرا شده است.

مدیر منطقه ۱۲ شهرداری اصفهان تصریح کرد: در راستای اجرای ماده ۱۶ قانون شهرداری‌ها، طی هفت ماه سال جاری ۴۰ رأی در این منطقه اجرا شده است.

علی‌خاصی با اشاره به اقدام‌های مدیریت پیشگیری و رفع تخلف‌های شهری در بخش کنترل دفع ضایعات ساختمانی در سطح شهر همچون تعطیلی کارگاه‌های ایجادکننده سدمعبر و پیشگیری از تخلیه مصالح و نخاله در معابر عمومی اظهار کرد: در این زمینه ۳۹۰ اخطار صادر و ۶۵ کارگاه ساختمانی متخلف نیز تعطیل شده است.



مرتضی نصوحی
مدیرکل پژوهش و نوآوری شهرداری اصفهان

شهرداری اصفهان ایده‌ها و محصولات فناورانه حوزه سالمندی را حمایت می‌کند

مدیرکل پژوهش و نوآوری شهرداری اصفهان با اشاره به ضرورت بازنگری در برنامه‌ریزی شهری متناسب با سالمندی جمعیت، از برگزاری رویداد «ایده‌کاپ ۶۵+» خبر داد و گفت: در این رویداد، ایده‌های کاربردی شهروندان و محصولات فناورانه شرکت‌ها برای بهبود کیفیت زندگی سالمندان با جوایزی تا ۳۰ میلیون تومان حمایت می‌شوند.

مرتضی نصوحی اظهار کرد: جامعه در حال رویارویی با مسائل ناشی از سالمندی جمعیت است و این موضوع در کنار فرصت‌ها و ابعاد مثبت، ضرورت‌هایی را در حوزه مدیریت شهری، خانواده و فرهنگ ایجاد می‌کند که باید برای آن‌ها برنامه‌ریزی شود.

او افزود: ارکان مختلف نظام شهری، خانوادگی و فرهنگی هنوز به آمادگی لازم برای رویارویی با نیازهای جمعیت سالمند نرسیده‌اند؛ برای مثال، اگر فردی سالمند زمین‌گیر شود، فضای شهری فعلی پاسخ‌گوی نیازهای او نیست و نگهداری از چنین فردی ممکن است به سه نیروی انسانی نیاز داشته باشد.

مدیرکل پژوهش و نوآوری شهرداری اصفهان با بیان اینکه این مسئله به معنای استفاده نامناسب از منابع انسانی و اجتماعی است، ادامه داد: اگر نیازهای دوران سالمندی از پیش در فرایندهای شهری و اجتماعی پیش‌بینی نشود، جامعه با چالش‌های جدی روبه‌رو خواهد شد؛ در همین راستا، باتوجه به فعالیت دفتر تخصصی سالمندی در سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری اصفهان پروژه‌های متعددی در این حوزه اجرا شده است.

نصوحی خاطرنشان کرد: یکی از این اقدام‌ها، پروژه «شهر دوستدار سالمند» است که در آن نیازهای محله‌ها و مناطق شهری برای استفاده سالمندان شناسایی و برنامه‌ریزی لازم برای مناسب‌سازی محیط انجام شده است؛ همچنین با همکاری جهاد دانشگاهی، پژوهش‌هایی درباره مناسب‌سازی ساختمان‌ها، ارتباط پله‌ها و جزئیات فنی موردنیاز سالمندان انجام شده است.

او با اشاره به اقدام‌های میدانی شهرداری برای مناسب‌سازی فضاهای شهری گفت: در جانمایی بعضی ایستگاه‌های اتوبوس، نزدیکی به تقاطع‌ها و چهارراه‌ها موردتوجه قرار گرفته است تا سالمندان و افراد دارای معلولیت برای دسترسی به ایستگاه ناچار به پیمودن مسیرهای ۲۰۰ تا ۳۰۰ متری نباشند؛ همچنین در حوزه فضای سبز نیز تلاش شده است سرویس‌های بهداشتی پارک‌ها و فضاهای مجاور چشمه‌ها متناسب با نیاز سالمندان و افراد توان‌خواه مناسب‌سازی شود.

مدیرکل پژوهش و نوآوری شهرداری اصفهان با اشاره به راه‌اندازی سازوکار «ایده‌کاپ ۶۵+» برای دریافت پیشنهادهای کاربردی در حوزه سالمندی بیان کرد: این رویداد در دو بخش برگزار می‌شود: بخش نخست، به دریافت ایده‌های کاربردی از شهروندان برای بهبود شرایط شهری و پاسخ‌گویی به نیازهای سالمندان اختصاص دارد و برای سه ایده برتر آن، جایزه ۱۰ میلیون تومانی در نظر گرفته شده است.

نصوحی افزود: بخش دوم به همکاری با شرکت‌های دانش‌بنیان و فناور اختصاص دارد و از مجموعه‌هایی دعوت می‌شود که محصولات یا خدمات فناورانه‌ای برای مدیریت شهری یا ارتقای سلامت سالمندان ارائه می‌کنند. در این بخش، ارائه نمونه محصول قابل استفاده الزامی بوده و برای برگزیدگان جایزه ۳۰ میلیون تومانی پیش‌بینی شده است.

او ادامه داد: در صورت نیاز بعضی ایده‌های فناورانه به حمایت بیشتر، امکان اختصاص فضا برای تکمیل و نهایی‌سازی محصولات و پشتیبانی از شرکت‌های ارائه‌دهنده وجود دارد.

مدیرکل پژوهش و نوآوری شهرداری اصفهان با اشاره به مهلت ثبت‌نام در این رویداد تا ۱۵ آبان تصریح کرد: در صورت نرسیدن تعداد ایده‌ها به حدنصاب، امکان تمدید مهلت وجود دارد؛ اما در حال حاضر متقاضیان باید در بازه زمانی اعلام‌شده اقدام کنند.

نصوحی از شهروندان، به‌ویژه افرادی که تجربه مراقبت از والدین و پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌های سالمند خود را دارند، دعوت کرد ایده‌های کاربردی خود را ارائه دهند و گفت: متخصصان و فعالان حوزه فناوری نیز می‌توانند با ارائه پیشنهادها و محصولات خود در مسیر بهبود کیفیت زندگی سالمندان و پاسخ‌گویی به نیازهای این گروه مشارکت کنند.



محمدرضا طالبی‌نژاد
مشاور رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

برگزاری انتخابات شوراها به اعلام رسمی پایان جنگ بستگی دارد

مشاور رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با اشاره به برگزاری انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا گفت: مقرر شده است انتخابات دو ماه پس از پایان رسمی جنگ برگزار شود و تا زمانی که تکلیف جنگ روشن نشود، تعیین زمان انتخابات بیشتر در حد گمانه‌زنی خواهد بود.

محمدرضا طالبی‌نژاد اظهار کرد: طبق قانون و دوره شوراها، مردم هر چهار سال یک‌بار اعضای شوراهای شهر و روستا را انتخاب می‌کنند؛ اما به‌دلیل شرایطی که در کشور پیش آمد و پیش از جنگ نیز موضوع تجمیع انتخابات مطرح بود، این انتخابات به تعویق افتاده است؛ همچنین در قانون انتخابات تغییرات مکرری اتفاق می‌افتد. او افزود: انتخابات شوراها، انتخاباتی متکثر است و تعداد زیادی از اعضای شوراها برای مدت چهار سال انتخاب می‌شوند و عملکرد آن‌ها شهرداری‌ها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد؛ بنابراین انتخابات باید سر موعد برگزار شود و حتی یک روز هم به تأخیر نیفتد تا از آسیب‌ها و آفت‌هایی همچون بی‌انگیزگی اعضا جلوگیری و حق مردم رعایت شود.

مشاور رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی گفت: تمدید دائمی رأی مردم برای چهار سال دیگر اتفاق خوبی نیست؛ اما همه می‌دانیم شرایط جنگی، شرایط بسیار خاصی است و متغیرهای پیش‌بینی نشده‌ای در آن دخالت دارند؛ گاهی حاکمیت در همه جای دنیا هنگام وقوع جنگ، اولویت‌های خود را جابه‌جا می‌کند.

طالبی‌نژاد تصریح کرد: بر مبنای عرف و سلسله مراتب قوانین و مقررات، انتخابات باید سر موعد برگزار می‌شد و دوره شوراها چهارساله باشد؛ این بلاتکلیفی در حوزه شهرداری و مدیریت شهری آسیب‌های زیادی به همراه دارد که ازجمله آن‌ها می‌توان به بی‌انگیزگی و کاهش ارتباط مردم با مدیریت شهری اشاره کرد.

او خاطرنشان کرد: پس از بحث‌های مختلف، تصمیم‌گیری درباره بعضی کارهای مهم همچون انتخابات به نظر شورای عالی امنیت ملی موکول شد؛ چراکه جنگ و مسائل مهم کشور در آن نهاد تصمیم‌گیر بررسی و ارزیابی می‌شود؛ درواقع مقرر شد انتخابات دو ماه پس از پایان رسمی جنگ برگزار شود.

مشاور رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ادامه داد: بارها شنیده‌ایم که وزارت کشور و مسئولان اجرایی اعلام کرده‌اند مقدمات برگزاری انتخابات پیشرفت زیادی داشته و ازآنجاکه انتخابات به‌صورت الکترونیکی برگزار می‌شود، همه زیرساخت‌ها آماده است و فقط منتظر تعیین زمان هستند. این مصوبه همچنان پابرجاست؛ اما پایان رسمی جنگ اعلام نشده و حتی اعلام غیررسمی نیز در این زمینه صورت نگرفته، بنابراین ممکن است دوباره جنگ رخ دهد.

طالبی‌نژاد با بیان اینکه از یک طرف، اولویت‌های جنگ مطرح است و از طرف دیگر، مشارکت مردم اهمیت دارد و باید بررسی شود که موضوع مردم چیست و آیا مشارکت قابل‌قبولی اتفاق می‌افتد یا خیر، افزود: هرچه زمان انتخابات بیشتر به تعویق بیفتد، به انتخابات بعدی همچون مجلس و ریاست جمهوری نزدیک‌تر می‌شویم.

مشاور رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی گفت: پیش‌تر مجمع تشخیص مصلحت نظام سیاست کلی کاهش تعداد دفعات برگزاری انتخابات و تجمیع آن‌ها را تصویب کرده بود؛ در حال حاضر نیز دوباره این موضوع مطرح شده است که شاید پایان جنگ تا پایان سال طول بکشد.

طالبی‌نژاد اضافه کرد: پیش از این بحث شده بود که انتخابات به‌صورت غیرمتمرکز در سه نوبت، یعنی هشتم، پانزدهم و بیست‌ودوم آبان برگزار شود؛ اما پس از آن دوباره موضوع برگزاری انتخابات تا پایان سال مطرح شد.

مشاور رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی گفت: این متغیر در اختیار ما نیست؛ چراکه باتوجه به جنگ افروزی آمریکا و شرایطی که در منطقه و مناسبات کشور وجود دارد، هر لحظه ممکن است جنگ یا توافق شود و آن توافق نیز ممکن است شکننده باشد؛ در این بلاتکلیفی مدیریت شهری و مردم ضرر می‌کنند.

طالبی‌نژاد گفت: این پرسش مطرح می‌شود که دوره چهارساله شوراها چگونه می‌تواند تا این اندازه امتداد پیدا کند و دوام بیاورد؛ برخی استناد می‌کنند که حتی در زمان جنگ نیز انتخابات برگزار شده و تعطیل نشده است و باید رأی‌گیری شود؛ اما بعضی مناطق کشور، همچون مناطق جنوبی همچنان شرایط ویژه‌ای دارند.

او تصریح کرد: اگر بخواهیم انتخابات را به‌صورت یکپارچه برگزار کنیم، موضوع مشارکت و میزان آن مطرح می‌شود؛ امنیت انتخابات و بودجه نیز اهمیت زیادی دارد؛ زیرا کشوری که منابع آن به‌دلیل تحریم و محاصره با مشکل روبه‌رو شده است، باید همه این مسائل را در کنار یکدیگر در نظر بگیرد؛ بااین حال، اینکه مردم و مدیریت شهری از این بلاتکلیفی متضرر می‌شوند بر کسی پوشیده نیست.

علی حاجیان
مدیرعامل سازمان سامان‌دهی مشاغل شهری و فراورده‌های کشاورزی شهرداری اصفهان

نسخه شهرداری‌های کلان‌شهرها برای اجرای موفق طرح معیشتی

مدیرعامل سازمان سامان‌دهی مشاغل شهری و فراورده‌های کشاورزی شهرداری اصفهان، در نشست رئیس جمهور با موضوع تقویت معیشت مردم، به نمایندگی از شهرداری‌های کلان‌شهرهای ایران، ضمن تشریح دو چالش اصلی اجرای طرح معیشتی، از تدوین بسته پیشنهادهای کارشناسی برای رفع موانع خبر داد.

علی حاجیان در نشست مشترک رئیس جمهور با استانداران و شهرداران کلان‌شهرها و مراکز استان‌های کشور، تأمین منابع مالی و تأمین کالاهای اساسی را دو ضرورت اجرای طرح معیشتی عنوان کرد و بر همراه‌کردن شناسایی مشکلات با ارائه راه‌حل‌های عملیاتی تأکید کرد.

او با اشاره به تأکید رئیس جمهور بر ارائه راهکار در کنار بیان مسائل بیان کرد: برای کمک به اجرای این طرح، فقط به طرح مشکلات اکتفا نکرده‌ایم؛ با تشکیل اتاق فکر و بهره‌گیری از خرد جمعی، مجموعه‌ای از پیشنهادهای کارشناسی تدوین کرده‌ایم که در آن، حلقه‌های زنجیره تأمین، موانع موجود، راه‌حل‌های پیشنهادی و مرجع مسئول رفع هر مانع مشخص شده است.

مدیرعامل سازمان سامان‌دهی مشاغل شهری و فراورده‌های کشاورزی شهرداری اصفهان با بیان اینکه اجرای طرح‌های معیشتی نیازمند توجه به تفاوت‌های محلی است، گفت: شرایط تهران با دیگر کلان‌شهرها و همچنین شهرهای کوچک و شهرستان‌ها تفاوت دارد؛ ازاین‌رو در اجرای طرح باید ظرفیت‌ها و اقتضاهای هر شهر در نظر گرفته شود.

حاجیان تأکید کرد: سازمان‌های میادین میوه و تره‌بار و سامان‌دهی مشاغل شهری در سراسر کشور می‌توانند متناسب با ظرفیت‌های خود، از راهکارهای پیشنهادی بهره بگیرند و در صورت تصویب و ابلاغ حمایت‌های موردنیاز، در کنار دولت برای اجرای طرح معیشتی و حمایت از مردم نقش‌آفرینی کنند.

او در بخش دیگری از اظهارات خود، پیشنهاد مشخصی برای تسریع بازگشت منابع مالی به چرخه تأمین کالا ارائه کرد و خطاب به رئیس جمهور خواستار صدور دستور برای کوتاه شدن دوره تسویه مطالبه‌های فروشگاه‌های زیرمجموعه شهرداری‌ها شد.

مدیرعامل سازمان سامان‌دهی مشاغل شهری و فراورده‌های کشاورزی شهرداری اصفهان پیشنهاد کرد این مطالبه‌ها، به جای دوره‌های ۴۰ تا ۴۵ روزه، حداکثر ظرف یک هفته تا ۱۰ روز تسویه شود تا فروشگاه‌ها بتوانند منابع حاصل را سریع‌تر به خرید و تأمین مجدد کالاهای اساسی اختصاص دهند.

حاجیان خاطرنشان کرد: کاهش زمان تسویه، به بازگشت سریع‌تر منابع به چرخه تأمین کالا کمک می‌کند و می‌تواند زمینه استمرار عرضه و اجرای مؤثرتر طرح معیشتی به نفع مردم را فراهم سازد.



حمید عصارزادگان
مدیر منطقه ۴ شهرداری اصفهان

اعتبار ۷۰ میلیاردتومانی بوستان نهج‌البلاغه باغ غدیر

مدیر منطقه ۴ شهرداری اصفهان، از اجرای پروژه بوستان نهج‌البلاغه باغ غدیر با اعتبار ۷۰ میلیارد تومان خبر داد و گفت: آبشار نور و پرده حروف ازجمله اقدام‌های شاخص اجراشده در این بوستان است.

حمید عصارزادگان اظهار کرد: بوستان نهج‌البلاغه در باغ غدیر به عنوان یکی از فضاهای فرهنگی و تفریحی شهر، ظرفیت ارزشمندی برای معرفی و ترویج معارف و آموزه‌های حضرت امیرالمؤمنین(ع) دارد و اجرای مجموعه‌ای از اقدام‌های عمرانی، زیباسازی و هویت‌بخشی در آن با رویکرد تلفیق زیبایی‌های بصری و مفاهیم عمیق فرهنگی و مذهبی دنبال می‌شود.

او افزود: نصب آبشار نور و ساخت و نصب پرده حروف ازجمله اقدام‌های شاخص این پروژه است که با هدف ایجاد جلوه‌های بصری ویژه و فضاسازی متناسب با هویت موضوعی بوستان در دستورکار قرار گرفته است.

مدیر منطقه ۴ شهرداری اصفهان ادامه داد: اصلاح و بهینه‌سازی آب‌نماهای موجود بوستان، طراحی مبلمان ویژه و متناسب با فضای نهج‌البلاغه و المان‌های مرتبط با نهج‌البلاغه از دیگر بخش‌های پیش‌بینی‌شده در این طرح به‌شمار می‌رود.

عصارزادگان تصریح کرد: در اجرای این پروژه تلاش شده است علاوه بر ارتقای کیفیت محیطی و زیبایی فضای بوستان، بستری مناسب برای آشنایی شهروندان، به‌ویژه نسل جوان و خانواده‌ها، با سیره و معارف امیرالمؤمنین علی(ع) فراهم شود.

او خاطرنشان کرد: پروژه بوستان نهج‌البلاغه در باغ غدیر با اعتباری بالغ بر ۷۰ میلیارد تومان در حال اجراست و تکمیل مجموعه اقدام‌های پیش‌بینی‌شده در آن، گامی مؤثر در توسعه فضاهای فرهنگی، ارتقای کیفیت فضاهای عمومی و غنی‌سازی ظرفیت‌های گردشگری و تفریحی منطقه ۴ شهرداری اصفهان خواهد بود.



محمدرضا طیبی
مدیر منطقه ۲ شهرداری اصفهان

آغاز عملیات زیرسازی و آسفالت معابر منطقه ۲ اصفهان با اعتبار ۹۸ میلیارد ریالی

مدیر منطقه ۲ شهرداری اصفهان گفت: عملیات اجرایی زیرسازی و آسفالت معابر این منطقه با اعتباری بالغ بر ۹۸ میلیارد ریال آغاز شده است و بر اساس برنامه‌ریزی انجام شده، این پروژه با هدف بهسازی معابر فرسوده و ارتقای کیفیت زیرساخت‌های شهری طی پنج ماه به پایان می‌رسد.

محمدرضا طیبی اظهار کرد: باتوجه به مطالبه‌های مردمی و ضرورت رفع مشکلات عمرانی معابر، پروژه جامع بهسازی و روکش آسفالت منطقه ۲ شهرداری اصفهان با اعتباری معادل ۹۸ میلیارد و ۴۲۰ میلیون ریال و با رویکردی اصولی و فنی آغاز شده است.

او افزود: این طرح تنها به روکش آسفالت محدود نمی‌شود؛ بلکه مجموعه‌ای از عملیات عمرانی شامل تراش و جمع‌آوری آسفالت فرسوده، خاک‌برداری، زیرسازی اصولی و درنهایت، اجرای روکش نهایی آسفالت را در بر می‌گیرد تا دوام و پایداری معابر به حداکثر برسد.

مدیر منطقه ۲ شهرداری اصفهان گفت: با برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده و نظارت دقیق بر روند کار، مقرر شده است این عملیات عمرانی طی پنج ماه به پایان برسد و در اختیار شهروندان قرار گیرد.

طیبی ادامه داد: منطقه ۲ شهرداری اصفهان یکی از مناطق مهم این کلان‌شهر با بافت‌های متراکم و قدیمی است و با دارابودن ۱۱ پهنه بافت فرسوده به مساحت یک میلیون و ۵۵ هزار و ۴۴۳ مترمربع، بیش از ۴ درصد از کل بافت فرسوده شهر اصفهان را شامل می‌شود؛ ازاین‌رو، مسئولیت ارائه خدمات زیرساختی در این منطقه دوچندان است؛ چراکه ارتقای کیفیت معابر در این محله‌ها گامی اساسی در مسیر بازآفرینی شهری و افزایش کیفیت زندگی شهروندان محسوب می‌شود.

او بیان کرد: درخواست‌های مردمی که به منطقه می‌رسد، در صورت کافی‌بودن بودجه، در برنامه آسفالت سال جاری قرار می‌گیرد و چنانچه حجم درخواست‌ها بیشتر از بودجه پیش‌بینی‌شده باشد، طرح‌ها در فصل بودجه برای اجرا در برنامه سال آینده منظور خواهند شد تا به مطالبه‌های شهروندان رسیدگی شود. طیبی با اشاره به اهمیت نظر کارشناسان فنی گفت: گاهی شهروندان هنگام مراجعه به منطقه، درخواست اجرای لکه‌گیری آسفالت را دارند؛ اما پس از بازدید میدانی و بررسی کارشناسان فنی مشخص می‌شود که آن معبر دچار فرسودگی عمقی است و لکه‌گیری به‌تنهایی چاره‌ساز نیست و به زیرسازی اساسی نیاز دارد؛ بنابراین اجرای زیرسازی زمان‌برتر بوده و ممکن است رسیدگی قطعی به این درخواست‌ها، به‌دلیل حجم عملیات و اعتبار موردنیاز، زمان بیشتری نیاز داشته باشد.

esfahan ziba online .ir
اصفهان زیبا
شماره ۵۵۰۵
۱۴۰۵ / ۰۸ / ۱۶
شنبه
ویراستار/ عذرا دیانی

بازخوانی تاریخ استعمار ضرورتی برای حفظ هویت ایران

نشست علمی «مکتب استعمارشناسی ایرانی» با حضور رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، رئیس خانه مشروطیت، استاندار اصفهان شهردار و اعضای شورای اسلامی شهر و جمعی از فعالان فرهنگی و انقلابی و اندیشمندان و پژوهشگران در خانه مشروطیت برگزار شد

زهره قندهاری
دبیر گروه شهر هم محله


عکس‌ها از رسول شجاعی/ ایمنا

خانه مشروطیت اصفهان، بنایی که دیوارهایش یادآور روزهای پرالتهاب آزادی‌خواهی، استقلال‌طلبی و ایستادگی ملت ایران در برابر استبداد و نفوذ بیگانگان است، میزبان نشستی علمی با محوریت «مکتب استعمارشناسی ایرانی» و بازخوانی تجربه تاریخی ایران در مواجهه با قدرت‌های سلطه‌گر بود؛ رویدادی که با حضور غلامعلی حدادعادل رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، موسی نجفی، رئیس خانه مشروطیت، مهدی جمالی نژاد، استاندار اصفهان، علی قاسم زاده شهردار اصفهان و اعضای شورای اسلامی شهر اصفهان و جمعی از فعالان فرهنگی و انقلابی و اندیشمندان و پژوهشگران برگزار شد تا در پیوندی معنادار میان تاریخ مشروطه و مبارزات معاصر ملت ایران، ابعاد پنهان استعمار، ریشه‌های نفوذ بیگانگان و ضرورت شکل‌گیری نگاهی مستقل و بومی به تاریخ کشور واکاوی شود؛ نشستی که پیام محوری آن، ضرورت شناخت گذشته برای صیانت از هویت ملی، تقویت استقلال فکری و ترسیم آینده‌ای آگاهانه و مستقل برای ایران بود.

در این نشست، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی با تأکید بر ضرورت بازخوانی تاریخ استعمار در ایران گفت: تاریخ کشور نباید از زاویه نگاه استعمارگران و بر اساس الگوهای فکری آن‌ها روایت شود، بلکه باید با تکیه بر تجربه تاریخی ملت ایران، دخالت‌ها و نفوذ قدرت‌های بیگانه و پیامدهای آن در تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور بررسی شود؛ چراکه ملتی که گذشته خود را فراموش کند و از تاریخ برای ساختن آینده چراغ راه نسازد، به‌تدریج هویت و قدرت شناخت مسیر پیشِ روی خود را از دست خواهد داد.

غلامعلی حدادعادل با اشاره به جایگاه تاریخ در شناخت هویت ملت‌ها اظهار کرد: در میان موجودات آفریده شده به دست خداوند، انسان موجودی است که مفهوم زمان را درک می‌کند و براساس همین درک، دانشی به نام تاریخ شکل گرفته است. تاریخ حاصل توجه انسان به گذشته و تلاش برای شناخت رویدادهایی است که زندگی فردی و اجتماعی او را شکل داده‌اند. او با بیان اینکه علم تاریخ بر مفهوم زمان استوار است، افزود: همان‌گونه که انسان‌ها گذشته و خاطراتی دارند، ملت‌ها نیز دارای تاریخ و هویت تاریخی هستند و این تاریخ، بخش جدایی‌ناپذیر هویتِ جمعی آن‌ها را تشکیل می‌دهد. اگر ملتی تاریخ خود را از دست بدهد، در حقیقت بخشی از هویت خویش را از دست داده است؛ از همین رو بی‌توجهی به گذشته را باید بیماری خطرناکی برای جوامع دانست. رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی ادامه داد: ملتی که به گذشته خود اعتنا نکند و از تجربه‌های تاریخی برای شناخت شرایط امروز و برنامه‌ریزی برای آینده بهره نگیرد، نمی‌تواند آینده روشنی داشته باشد. تاریخ صرفاً مجموعه‌ای از اتفاقات مربوط به سال‌های دور نیست، بلکه سرمایه‌ای برای شناخت ریشه تحولات، تشخیص مسیرهای درست و جلوگیری از تکرار اشتباهات گذشته به شمار می‌رود.

لزوم بازنگری در شیوه روایت تاریخ معاصر ایران

او با اشاره به لزوم بازنگری در شیوه روایت تاریخ معاصر ایران گفت: به اعتقاد من، باید تاریخ ایران در دست‌کم ۲۵۰ سال اخیر را بر اساس وقایع استعماری بازنویسی کنیم. منظور از این بازنویسی آن است که دخالت‌ها، نفوذها و سیاست‌های قدرت‌های استعمارگر به عنوان یکی از محورهای اصلی تحلیل تاریخی مدنظر قرار گیرد تا بتوانیم بسیاری از حوادث و تحولات کشور را در بستر واقعی آن‌ها بشناسیم. رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی خاطرنشان کرد: تاریخ ایران نباید از نگاه استعمارگران و بر اساس الگوها و روایت‌هایی نوشته شود که منافع آن‌ها را تأمین می‌کند. ما باید بتوانیم با اتکا به منابع، اسناد و تجربه تاریخی خودمان، تصویری مستقل از گذشته ارائه دهیم و درباره نقش قدرت‌های خارجی در تحولات کشور شناخت دقیق‌تری به دست آوریم.

از هند تا ایران؛ ردپای استعمار در تحولات دوره قاجار

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی در تشریح مفهوم استعمارشناسی، به تاریخ حضور قدرت‌های اروپایی در ایران پرداخت و گفت: بخش خاص استعمارشناسی به بررسی تاریخ استعمار در کشورمان اختصاص دارد. از زمانی که اروپایی‌ها وارد ایران شدند، می‌توان ردپای نفوذ و دخالت استعمار را در رویدادهای مختلف دنبال کرد و قتل امیرکبیر نیز یکی از فجایع مهم استعماری در تاریخ ایران به شمار می‌رود.

او با توصیه به جوانان برای مطالعه تاریخ امیرکبیر خاطرنشان کرد: برای شناخت بهتر شخصیت و عملکرد امیرکبیر، مطالعه کتاب «شرح زندگانی من» نوشته عبدالله مستوفی را توصیه می‌کنم. رهبر شهید چندین بار به من توصیه کردند این کتاب را مطالعه کنم و خود ایشان نیز این اثر حدود دوهزار صفحه‌ای را بیش از یک بار و برخی بخش‌های آن را بیش از ۱۰ بار خوانده بودند.

حدادعادل با اشاره به ارتباط تحولات ایران در دوره قاجار با سلطه استعمار انگلیس بر شبه‌قاره هند، ادامه داد: در دوره قاجار، ایران همسایه شبه‌قاره هند بود و هند نیز مهم‌ترین مستعمره انگلیس به شمار می‌رفت. به روایت تاریخی مورد اشاره، حدود پنج هزار انگلیسی بر جمعیتی نزدیک به ۳۰۰ میلیون نفر در هند حکومت می‌کردند و این کشور نزدیک به ۱۵۰ سال تحت سلطه انگلیس قرار داشت. او افزود: تا زمانی که تاریخ استعمار انگلیس در هند را مطالعه نکنیم، نمی‌توانیم معنای بسیاری از دخالت‌های این کشور در ایران را به درستی درک کنیم. بسیاری از تحولات و رخدادهای دوره قاجار را باید در ارتباط با جایگاه راهبردی ایران در همسایگی هند و تلاش انگلیس برای حفظ سلطه خود بر این منطقه تحلیل کرد.

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی با اشاره به اهمیت منابع نفتی ایران برای انگلیس اظهار کرد: نفت ایران برای انگلیس اهمیت بسیاری داشت و این کشور ابتدا امتیازدارسی را به دست آورد و سپس، بنابر تحلیل تاریخی مطرح شده، درصدد برآمد با روی کار آوردن رضاشاه، از تداوم سلطه خود بر منابع نفتی ایران اطمینان پیدا کند. این نمونه‌ها نشان می‌دهد که منافع اقتصادی و منابع طبیعی کشورها چگونه می‌تواند به یکی از محورهای اصلی رقابت و مداخله قدرت‌های خارجی تبدیل شود.

استعمار نو؛ نفوذ از مسیر آموزش و فرهنگ

حدادعادل با تشریح شیوه‌های مختلف استعمار بیان کرد: استعمار تنها به اشغال سرزمین و استقرار نیروهای نظامی در یک کشور محدود نمی‌شود. استعمارگران پس از سلطه بر خاک یک کشور، تلاش می‌کنند ساختارهای فکری و فرهنگی آن جامعه را نیز تحت تأثیر قرار دهند و افرادی را در مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها تربیت یا به کار بگیرند که تفکر و عملکرد آن‌ها با منافع استعمارگران همسو باشد. او ادامه داد: این شیوه را استعمار نو می‌نامند؛ روشی که در آن، سلطه بدون نیاز به حضور مستقیم نظامی و از طریق نفوذ در ساختارهای آموزشی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی دنبال می‌شود. در چنین شرایطی ممکن است استقلال ظاهری یک کشور حفظ شود، اما تصمیم‌ها و جهت‌گیری‌های آن تحت تأثیر قدرت‌های خارجی قرار گیرد.

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی با تأکید بر تأثیر پیروزی انقلاب اسلامی بر مناسبات استعماری گفت: با پیروزی انقلاب اسلامی، استعمارگران ناچار شدند عقب‌نشینی کنند و در موارد‌ی شیوه‌های استعمارگرکهن را نیز دوباره در پیش بگیرند. انقلاب اسلامی بود که استعمار را عقب راند و یکی از دلایل تقابل آمریکا با ایران این است که شیوه استعمار نو در کشورمان پاسخگو نبوده است. او با اشاره به نقش رهبری و مردم در مقابله با استکبار افزود: رهبر شهید در برابر استعمار ایستادگی کردند و ملتی که چنین رهبری داشته باشد، به تعبیر مطرح‌شده، ملت مبعوث است. همان‌گونه که در پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز بر این موضوع تأکید شده است، مبارزه با استکبار جهانی دیگر به یک روز محدود نمی‌شود و باید آن را به عنوان یک مسئولیت آگاهانه و مستمر مورد توجه قرار داد.

مجموعه ۳۰ جلدی استعمارشناسی؛ گامی برای تولید دانش بومی

حدادعادل در ادامه با قدردانی از تلاش‌های موسی نجفی در تدوین مجموعه ۳۰ جلدی «استعمارشناسی ایرانی» گفت: این مجموعه می‌تواند منبع علمی مهمی برای حوزه تاریخ و پژوهش‌های مرتبط با استعمار باشد و زمینه شناخت عمیق‌تر ابعاد مختلف این پدیده را فراهم کند. تدوین چنین آثاری گامی ارزشمند در جهت شکل‌گیری یک جریان پژوهشی مستقل و مبتنی بر تجربه تاریخی ایران است.

او با خطاب قرار دادن دانش‌آموزان و جوانان، بر ضرورت توجه بیشتر به رشته تاریخ تأکید کرد و گفت: جوانان باید رشته تاریخ را جدی بگیرند، زیرا در شرایط کنونی کشور، آن‌گونه که شایسته است به این حوزه توجه نمی‌شود. ما به نسل جدیدی از پژوهشگران و مورخان نیاز داریم که بتوانند تاریخ ایران را با نگاه ایرانی و اسلامی مطالعه و روایت کنند و در برابر روایت‌های یک‌سویه و تحریف‌شده، تحلیل و اسناد معتبر ارائه دهند. رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی با اشاره به ضرورت تولید دانشنامه‌های مستقل در کشور افزود: همان‌گونه که رهبر شهید در دوران ریاست جمهوری بر نگارش دانشنامه‌ای به قلم پژوهشگران ایرانی تأکید داشتند، باید در حوزه‌های مختلف علمی و تاریخی آثاری تدوین کنیم که نویسندگان و صاحب‌نظران ایرانی در شکل‌گیری آن نقش اصلی داشته باشند و این آثار در داخل کشور استفاده شوند. حدادعادل ادامه داد: تاکنون ۳۵ جلد از دانشنامه جهان اسلام منتشر شده است و دست‌کم ۲۰ جلد دیگر نیز در ادامه این مجموعه منتشر خواهد شد. چنین فعالیت‌هایی نشان می‌دهد که تولید دانش بومی و تدوین منابع علمی به دست پژوهشگران داخلی، ضرورتی اساسی برای تقویت هویت علمی و فرهنگی کشور است.

ما به نسل جدیدی از پژوهشگران و مورخان نیاز داریم که بتوانند تاریخ ایران را با نگاه ایرانی و اسلامی مطالعه و روایت کنند

ضرورت تأسیس پژوهشگاه تخصصی استعمارشناسی

او همچنین با تأکید بر ضرورت تأسیس پژوهشگاهی تخصصی برای مطالعات استعمارشناسی در کشور اظهار کرد: باید پژوهشگاهی ویژه برای بررسی تخصصی پدیده استعمار داشته باشیم تا پژوهش‌های پراکنده در این زمینه به یک جریان علمی منسجم تبدیل شود. نتایج مطالعات این پژوهشگاه نیز باید در اختیار هنرمندان، نویسندگان، رسانه‌ها و سایر گروه‌های اجتماعی قرار گیرد تا مفاهیم و یافته‌های علمی به زبانی قابل فهم و کاربردی برای عموم مردم عرضه شود. رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی با بیان اینکه استعمار ابعاد متعددی دارد و شناخت آن به مطالعات مستمر نیازمند است، خاطرنشان کرد: تاریخ استعمار بسیار عبرت‌آموز است و دشمن تمایلی ندارد این تاریخ برای ملت‌ها روشن شود. از این رو، وظیفه مراکز علمی، دانشگاه‌ها و پژوهشگران آن است که با بررسی دقیق اسناد و رویدادهای تاریخی، ابعاد پنهان مداخلات استعمارگران را آشکار کنند و امکان شناخت درست گذشته را برای نسل‌های آینده فراهم آورند.

شناخت تاریخ معاصر؛ پشتوانه آگاهی نسل جوان

حدادعادل با اشاره به ضرورت افزایش آگاهی نسل جوان از تاریخ معاصر ایران گفت: دشمن با این تصور که جوانان امروز ایران دوران پهلوی را فراموش کرده‌اند، به فکر هجوم و حمله به این کشور افتاده است، اما ملت آگاه ایران اجازه چنین اقدامی را نخواهد داد؛ همان‌گونه که در گذشته نیز در برابر دشمن ایستادگی کرده است. او تأکید کرد: شناخت تاریخ، صرفاً بازگشت به گذشته نیست، بلکه راهی برای فهم بهتر شرایط امروز و ساختن آینده‌ای مستقل است. جامعه‌ای که تاریخ خود را بشناسد، نسبت به تحولات پیرامونش آگاه‌تر خواهد بود و در برابر تکرار تجربه‌های تلخ و دخالت قدرت‌های خارجی، قدرت تشخیص و تصمیم‌گیری بیشتری خواهد داشت.

شناخت استعمار با نگاه ایرانی، راهگشای اقتدار و ابتکار عمل در عرصه جهانی است

در ادامه این نشست، رئیس خانه مشروطیت با تأکید بر ضرورت شکل‌گیری رویکردی مستقل و بومی در شناخت استعمار گفت: شناخت استعمار از منظر تجربه تاریخی ایران، علاوه بر شفاف‌سازی صحنه سیاست ملی، زمینه افزایش ابتکار عمل و خروج کشور از انفعال را فراهم می‌کند و به ما امکان می‌دهد تحولات بین‌المللی را به جای تکیه بر روایت قدرت‌های استعمارگر، با نگاهی مستقل و مبتنی بر منافع ملی تحلیل کنیم. موسی نجفی با اشاره به ضرورت بازتعریف نگاه ایران به پدیده استعمار اظهار کرد: انقلاب اسلامی دو اقدام بزرگ و تأثیرگذار انجام داد؛ نخست اسلام را به متن زندگی مردم بازگرداند و دوم در برابر استعمار ایستادگی کرد، اما این دو جریان به یک اندازه تقویت نشدند و مورد توجه قرار نگرفتند. او با بیان اینکه شناخت استعمار باید به یکی از محورهای جدی مطالعات تاریخی، سیاسی و فرهنگی کشور تبدیل شود، افزود: انقلاب اسلامی در کنار احیای هویت دینی جامعه، مسیر تازه‌ای در مواجهه با قدرت‌های سلطه‌گر گشود و توانست در برابر الگوهای سنتی و جدید استعمار موضعی مستقل اتخاذ کند؛ با این حال، برای تداوم این مسیر باید شناخت علمی و عمیق‌تری از ماهیت استعمار و شیوه‌های اعمال نفوذ آن داشته باشیم.

رئیس خانه مشروطیت یکی از دلایل ضعف شناخت عمومی از استعمار در ایران را تجربه نکردن استعمار کلاسیک به شکل مستقیم دانست و تصریح کرد: از آنجا که ایران به صورت رسمی و مستقیم مستعمره نبوده و تجربه حضور بیگانه در کشور به شکل استعمار کلاسیک با برخی کشورهای دیگر تفاوت داشته است، شناخت عمومی ما از استعمار به اندازه کافی عمیق نیست؛ به همین دلیل گاهی با مشاهده یک رفتار دوستانه یا لبخند دشمن، تاریخ و فجایعی را که از سوی قدرت‌های استعمارگر رقم خورده است، فراموش می‌کنیم. نجفی ادامه داد: اگرچه ایران در تاریخ خود به صورت رسمی مستعمره نشده است، اما این موضوع به معنای دورماندن کشور از مداخلات و فشارهای استعمارگران نیست. انقلاب اسلامی نیز ایران را به جایگاهی اثرگذار در معادلات جهانی رسانده و همین مسئله موجب تقابل قدرت‌های استعمارگر با کشور شده است. بنابراین استعمار موضوعی جدی است که باید برای شناخت ابعاد و حل مسائل ناشی از آن تلاش کنیم. او با تأکید بر ضرورت شکل‌گیری ذهنیت مستقل در کنار پیشرفت‌های اقتصادی و صنعتی کشور خاطرنشان کرد: کشوری که از صنعت بومی برخوردار است، باید ذهنیت بومی نیز داشته باشد. نمی‌توان در حوزه صنعت به دنبال استقلال و خوداتکایی بود، اما در تحلیل مسائل سیاسی، تاریخی و بین‌المللی همچنان به چارچوب‌های فکری دیگران وابسته ماند. از این رو، لازم است شناخت استعمار غرب را جدی بگیریم و آن را با نگاهی ملی و متناسب با تجربه تاریخی خود بررسی کنیم.

رئیس خانه مشروطیت با اشاره به آثار و پیامدهای شناخت بومی استعمار گفت: چنین شناختی موجب شفاف‌ترشدن صحنه سیاست ملی، افزایش ابتکار عمل و خروج کشور از انفعال می‌شود. همچنین به ما کمک می‌کند مناسبات بین‌المللی را بهتر بشناسیم، تحولات سیاسی جهان را دقیق‌تر تفسیر کنیم و در مواجهه با مسائل، صرفاً در چارچوب روایت و منطق فکری استعمارگران حرکت نکنیم.

استعمار در سه چهره؛ از سلطه سرزمینی تا نفوذ سایبری

نجفی با اشاره به تغییر شیوه‌های سلطه در طول تاریخ عنوان کرد: استعمار را می‌توان در سه شکل کهنه، نو و فرانو یا سایبری بررسی کرد. این سه شکل در شرایط کنونی نیز همچنان وجود دارند و دشمن در هر سه عرصه فعالیت می‌کند؛ بنابراین نباید تصور کنیم که استعمار فقط به شکل جدید و در فضای سایبری ادامه دارد.

او با بیان اینکه شناخت هر یک از این گونه‌های استعمار به بررسی‌های تخصصی نیاز دارد، افزود: استعمار کهنه بیشتر با اشغال سرزمین، حضور نظامی و سلطه مستقیم بر منابع و امکانات یک کشور شناخته می‌شود، در حالی که استعمار نو از مسیر نفوذ در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، آموزشی و فرهنگی دنبال می‌شود. در شکل فرانو نیز فناوری‌های ارتباطی و فضای سایبری می‌توانند به بستری برای اعمال نفوذ و تأثیرگذاری بر جوامع تبدیل شوند. رئیس خانه مشروطیت تأکید کرد: نکته مهم این است که شکل‌های جدید استعمار جایگزین کامل شکل‌های قدیمی نشده‌اند، بلکه ممکن است هم‌زمان با یکدیگر به کار گرفته شوند. از این رو، برای شناخت درست تحرکات قدرت‌های استعمارگر باید همه این ابعاد را در نظر گرفت و تنها به یک شیوه از سلطه توجه نکرد.

تجربه مشروطه و ضرورت حفظ حساسیت جامعه نسبت به استعمار

نجفی با اشاره به تجربه تاریخی ایران در دوره مشروطه اظهار کرد: مشروطه یکی از بزرگ‌ترین انقلاب‌ها و تحولات تاریخ ایران بود که زمینه کناررفتن یکی از وابسته‌ترین رژیم‌های سلطنتی را فراهم کرد؛ با این حال، یکی از نقاط ضعف آن دوره کاهش حساسیت جامعه نسبت به استعمار و دخالت بیگانگان بود و به اعتقاد من، همین مسئله در فراهم‌شدن زمینه ظهور رضاخان تأثیر داشت. او با تأکید بر اینکه مطالعه تاریخ ایران بدون توجه به نقش قدرت‌های خارجی ناقص خواهد بود، افزود: باید تجربه مشروطه و تحولات پس از آن را با نگاهی دقیق‌تر بررسی کنیم و ببینیم چگونه غفلت از نفوذ بیگانگان می‌تواند زمینه‌ساز تغییر مسیر تحولات سیاسی کشور شود. حساسیت نسبت به استعمار باید در حافظه تاریخی جامعه زنده بماند و به بخشی از آگاهی عمومی تبدیل شود.

رئیس خانه مشروطیت با اشاره به ریشه‌های تاریخی تقابل غرب با ایران بیان کرد: مقابله آمریکا و غرب با ایران موضوع تازه‌ای نیست و شرق‌ستیزی، اسلام‌ستیزی و ایران‌ستیزی در سیاست‌های آمریکا سابقه‌ای طولانی دارد. تقابل غرب مسیحی با اسلام نیز پیشینه تاریخی دارد که بخشی از آن به جنگ‌های صلیبی بازمی‌گردد. غرب مدرن نیز از دوره پس از عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای وارد مرحله تازه‌ای از تقابل با ایران شد. او ادامه داد: برای فهم مناسبات امروز ایران با قدرت‌های غربی باید ریشه‌های تاریخی این تقابل را بشناسیم. بسیاری از رفتارها و سیاست‌های کنونی را نمی‌توان جدا از سابقه تاریخی مداخلات و رقابت‌های استعماری تحلیل کرد؛ از این رو، مطالعات تاریخی باید به شناخت شرایط امروز و تصمیم‌گیری‌های آینده کشور کمک کند.

اقتدار ملی در گرو شناخت درست دشمن و تغییر جایگاه ایران

نجفی با تأکید بر ضرورت شناخت واقع‌بینانه قدرت و اهداف استعمارگران گفت: دشمن زمانی دست از فشار بر کشور برمی‌دارد که بداند توان غلبه بر آن را ندارد؛ بنابراین باید استعمار را به درستی بشناسیم، ادبیات و گفتار خود را متناسب با شأن انقلاب تنظیم کنیم و از حاشیه به متن و از پیرامون به مرکز حرکت کنیم.

او افزود: شناخت دقیق دشمن، صرفاً به معنای آگاهی از اقدامات و تهدیدهای آشکار آن نیست، بلکه باید مبانی فکری، اهداف بلندمدت، شیوه‌های نفوذ و ابزارهای تأثیرگذاری قدرت‌های جهانی را نیز بشناسیم. هر اندازه این شناخت عمیق‌تر باشد، امکان تصمیم‌گیری آگاهانه و افزایش ابتکار عمل در عرصه سیاست داخلی و خارجی بیشتر خواهد شد. رئیس خانه مشروطیت تصریح کرد: کشور برای عبور از شرایط انفعالی باید به دانش و شناخت مستقل تکیه کند. در چنین مسیری، استفاده از تجربه‌های تاریخی و تولید ادبیات علمی متناسب با شرایط ایران اهمیت بسیاری دارد؛ چراکه نمی‌توان برای شناخت مناسبات جهانی، همواره از الگوهایی استفاده کرد که در خارج از کشور و متناسب با منافع دیگران شکل گرفته‌اند.

حدادعادل همواره بر مدار ولایت و ارزش‌های انقلاب حرکت کرده است

در ادامه این نشست، شهردار اصفهان با اشاره به جایگاه علمی، اجتماعی و انقلابی غلامعلی حدادعادل، او را از چهره‌های اثرگذار و معیار در تاریخ انقلاب اسلامی دانست و گفت: حدادعادل در دشوارترین شرایط، تصمیم‌های درست و مسئولانه‌ای گرفته و همواره بر مدار ولایت حرکت کرده است. علی قاسم‌زاده با تأکید بر ضرورت انتخاب بهترین مسیر در زندگی اظهار کرد: از همه ما انتظار می‌رود در زمان و مکان مناسب و متناسب با استعدادها و توانایی‌های خود، مصداق احسن عمل باشیم؛ چراکه در روز قیامت نیز اعمال انسان بر اساس بهترین عملکرد او سنجیده می‌شود. او با اشاره به شناخت دیرینه خود از شخصیت علمی و اجتماعی غلامعلی حدادعادل افزود: از نخستین سال‌های پیروزی انقلاب اسلامی با او آشنا هستیم و حتی پیش از انقلاب نیز حدادعادل یکی از چهره‌های علمی مورد اعتماد جامعه علمی کشور به شمار می‌رفت. شهردار اصفهان با اشاره به پیشینه خانوادگی و موقعیت اجتماعی حدادعادل تصریح کرد: او از خانواده‌ای برخوردار از تمکن مالی برخاسته است، اما مسیر زندگی خود را بر اساس مسئولیت‌پذیری، باورها و اعتقاداتش انتخاب کرده و در عرصه‌های مختلف علمی و اجتماعی نقش‌آفرین بوده است. قاسم‌زاده حدادعادل را از شخصیت‌های تأثیرگذار در تاریخ انقلاب اسلامی دانست و خاطرنشان کرد: او از جمله افرادی است که در سخت‌ترین شرایط، بهترین تصمیم‌ها را گرفته و برای من یکی از شخصیت‌های معیار در تاریخ انقلاب اسلامی به شمار می‌رود. او با تأکید بر پایبندی این چهره علمی و سیاسی به ولایت گفت: با جرئت می‌توانم بگویم حدادعادل نه در دوران پیش از انقلاب و نه پس از آن، هیچ‌گاه از مسیر ولایت خارج نشده است و امیدوارم خداوند سایه او را بر سر جامعه مستدام بدارد. شهردار اصفهان همچنین با اشاره به جایگاه علمی و فکری موسی نجفی اظهار کرد: او نیز از جمله شخصیت‌هایی است که در هر جایگاهی قرار گرفته، منشأ خیر و اثر بوده است. خدا را شاکریم که اصفهان امروز میزبان چنین رویداد علمی و سیاسی.اجتماعی است.





esfahan ziba online .ir
اصفهان زیبا
شماره ۵۵۰۵
۱۴۰۵ / ۰۸ / ۱۶
شنبه
ویراستار/ عذرا دیانی

از زباله تا ثروت
جوانه‌های نوآوری در مسیر اقتصاد چرخشی

در نشست «جوانه» با پیوند صنعت، دانشگاه و استارتاپ‌ها، ظرفیت‌های تبدیل پسماند به فرصت‌های اقتصادی و فناورانه بررسی شد





زهره قندهاری
دبیرگروه شهر هم‌محله

نشست تخصصی «جوانه» با برگزاری میزگردی درباره راهکارهای نوآورانه مدیریت پسماند و فرصت‌های کسب‌وکار سبز، تجربه شکل‌گیری و توسعه کسب‌وکار از سه منظر علمی، صنعتی و استارتاپی برگزار شد تا با هم‌افزایی دانشگاه، استارتاپ‌ها و صنعت، بستری برای تبدیل ایده‌های خلاقانه به نوآوری صنعتی و خلق ارزش اقتصادی فراهم شود. اهم سخنان متولیان امر، در این گزارش آمده است.

ساناز منصف، مدیرعامل کارخانه نوآوری اسنوا تک: کارخانه نوآوری اسنوا حلقه اتصال ایده‌های نوآورانه به صنعت و کارآفرینی

پسماند در نگاه نخست یک چالش زیست‌محیطی به‌شمار می‌رود؛ اما اگر با نگاهی عمیق‌تر به آن توجه کنیم، متوجه می‌شویم که این حوزه در دل خود فرصت‌های بزرگ اقتصادی، کارآفرینانه و فناورانه دارد و می‌تواند بستر شکل‌گیری ایده‌های نوآورانه و کسب‌وکارهای جدید باشد؛ برهمین‌اساس، در طراحی پنل تخصصی تلاش کردیم ترکیبی از دیدگاه‌های مختلف را در کنار یکدیگر قرار دهیم: از یک‌سو، یک استارتاپ جوان و نوپا حضور دارد که می‌تواند تجربه‌های خود را مطرح کند؛ از سوی دیگر، مجموعه‌ای صنعتی و سازمانی داریم که یک تجربه کارآفرینی سازمانی را از دل گروه صنعتی انتخاب به همراه آورده است و در کنار این دو، نگاه علمی و دانشگاهی نیز به بحث کمک می‌کند. رویداد «جوانه» عنوان کوچکی برای اتفاق‌های بزرگی است که می‌تواند در کشور رقم بخورد. در این رویداد قرار است تجربه‌ها و نگاه‌های متفاوت در کنار یکدیگر قرار بگیرند و موضوع‌ها از منظرهای گوناگون بررسی شوند؛ چراکه باور داریم برای رسیدن به راهکارهای مؤثر، باید دوربین نگاه خود را در زوایای مختلف قرار دهیم و از ظرفیت دانشگاه، استارتاپ، نوآوری و صنعت به‌صورت هم‌زمان بهره‌مند شویم.

محمدمهدی نقیه، بنیان‌گذار استارتاپ زی‌زا: از زباله تا احیای طبیعت روایت زی‌زا از بازگشت حیات به خاک

زی‌زا با هدف تغییر نگاه جامعه به زباله و انتقال مدیریت پسماند از مقصد به مبدأ شکل گرفته است؛ ایده‌ای که به کمک آن شهروندان می‌توانند پسماندهای تر خود را در خانه به ماده‌ای ارزشمند برای احیای خاک تبدیل کنند. ایده شکل‌گیری این کسب‌وکار از تماشای یک مستند و تغییر نگاه به مفهوم زباله آغاز شد. کالایی که سال‌ها به‌عنوان آشغال و ماده‌ای زائد می‌شناختیم و تصور می‌کردیم باید هرچه سریع‌تر از محیط زندگی خود دور کنیم، می‌تواند دوباره به طبیعت بازگردد و حتی به عاملی برای احیای آن تبدیل شود. نام «زی‌زا» از ترکیب دو مفهوم «زیستن» و «زایش» شکل گرفته است؛ مفهومی که فلسفه اصلی فعالیت ما را نشان می‌دهد. در این مجموعه تلاش می‌کنیم پسماندهای تر خانگی را به کمپوست تبدیل کنیم تا مواد مغذی دوباره به خاک بازگردند و زمینه زایش و حیات مجدد طبیعت فراهم شود. رساندن یک ایده به مرحله تولید انبوه و صنعتی، تبدیل آن به محصول و سپس ایجاد بازار برای آن، مسیر بسیار دشواری بود؛ اما سخت‌ترین بخش فعالیت ما نه تولید دستگاه، بلکه فرهنگ‌سازی و تغییر نگاه مردم به پسماند بود. باید به شهروندان توضیح می‌دادیم چیزی که از آن فراری هستند، بوی نامطبوع دارد، شیرابه تولید می‌کند، هوا را آلوده می‌سازد و مشکلات زیست‌محیطی متعددی به‌وجود می‌آورد، در صورت مدیریت صحیح در مبدأ می‌توانند به ماده‌ای ارزشمند تبدیل شود. شهروندان می‌توانند به‌جای خارج‌کردن پسماند تر از خانه، آن را در همان محل مدیریت کنند و کمپوست حاصل را برای گل‌ها، گیاهان و باغچه‌های خود به کار گیرند. در ابتدا، برخی مدیران و مسئولان و حتی بخشی از مردم، پذیرش چنین رویکردی را آسان نمی‌دانستند؛ آنچه به ما کمک کرد، استمرار، پافشاری و صبر بود. با وجود مخالفت‌ها تلاش کردیم ایده مدیریت پسماند در مبدأ را از یک طرح ذهنی به یک تجربه عملی تبدیل کنیم.

مدیریت پسماند باید از خانه آغاز شود

حدود ۷۰ درصد حجم پسماند خانگی را پسماند تر تشکیل می‌دهد. همین بخش به‌دلیل رطوبت و آلودگی می‌تواند پسماند خشک و ارزشمند را نیز آلوده کند و امکان بازیافت مناسب آن را کاهش دهد. سال‌هاست مدیریت پسماند عمدتا به مقصد و پس از خروج زباله از خانه موکول شده است؛ درحالی‌که اگر بتوانیم پسماند تر را در مبدأ مدیریت کنیم، بخش خشک نیز به‌صورت طبیعی قابلیت تفکیک و بازیافت بهتری پیدا می‌کند؛ به‌این‌ترتیب، به‌جای تحمیل هزینه‌های سنگین سالانه به شهر و شهروندان، می‌توانیم حجم پسماند را از همان نقطه تولید کاهش دهیم. تنها انتظاری که از شهروند داریم، این است که پسماندهای خود را تفکیک کند و به ما تحویل دهد؛ مدیریت و فرایند تبدیل آن را می‌توان در یک چرخه مشخص انجام داد.

دستگاهی برای تبدیل پسماند تر به کمپوست در خانه

دستگاه ما با الگوبرداری از فرایندهای طبیعی تجزیه مواد آلی طراحی شده است. در این دستگاه، با استفاده از خاک، گردش هوا و کنترل رطوبت، شرایط لازم برای فعالیت میکروارگانیسم‌ها فراهم می‌شود تا پسماند تر در مدت‌زمان کوتاه‌تری به کمپوست تبدیل شود. یکی از مخازن برای اضافه‌کردن تدریجی پسماند و مخزن دیگر برای طی‌شدن فرایند تجزیه و ماندگاری در نظر گرفته شده است. مخزن در حال استفاده حدود ۳۰ روز برای دریافت پسماند ظرفیت زمانی دارد و پس از آخرین مرحله اضافه‌کردن پسماند، فرایند تکمیل و آماده‌سازی کمپوست نیز ادامه پیدا می‌کند. خاک در این فرایند نقش مهمی دارد و رطوبت پسماند را جذب می‌کند تا شرایط مناسبی برای تجزیه فراهم شود. دستگاه به‌صورت هوازی کار می‌کند و منافذ تعبیه‌شده روی بدنه، امکان گردش هوا را فراهم می‌کنند؛ بنابراین هوا در داخل دستگاه محبوس نمی‌شود و بوی نامطبوع شکل نمی‌گیرد؛ حتی بوی حاصل از ترکیب خاک و مواد آلی، به بوی خاک و جنگل شباهت دارد. در روش طراحی‌شده، رطوبت پسماند در فرایند دستگاه مدیریت و تبخیر می‌شود و برخلاف شیوه‌های متداول انباشت پسماند تر، شیرابه‌ای تولید نمی‌شود.

پشتیبانی هفت‌مرحله‌ای برای استفاده شهروندان

از روز نخست تولید، تلاش کردیم دستگاهی ساده در اختیار مردم قرار دهیم. در مراحل اولیه، حتی دماسنجی برای پایش دمای مواد در نظر گرفتیم تا کاربران بتوانند شرایط فرایند را بررسی کنند. فرایند کمپوست‌سازی مراحل مختلفی دارد و کنترل دما، رطوبت و گردش هوا در آن اهمیت دارد. دمای فرایند در برخی مراحل افزایش پیدا می‌کند و باید شرایط به‌درستی پایش شود تا فعالیت میکروارگانیسم‌ها متوقف نشود؛ به‌همین دلیل، در کنار دستگاه، آموزش و پشتیبانی کاربران را نیز در نظر گرفته‌ایم و سیستم پشتیبانی ما طی هفت مرحله، کاربران را در استفاده صحیح از دستگاه همراهی می‌کند. تاکنون بیش از ۲۰ نمونه از کمپوست‌های تولیدشده در خانه‌های مختلف، با سطح فرهنگی، تحصیلات و درآمد متفاوت، مورد آزمایش قرار گرفته است. نتایج بررسی پارامترهای مختلف از جمله شاخص‌های شیمیایی، در مجموع قابل قبول بوده است. اگرچه ممکن است فرایند تولید کمپوست خانگی به اندازه برخی واحدهای صنعتی و شهری تحت کنترل کامل نباشد، اما از آنجا که مواد اولیه دستگاه عمدتا پسماند تر تفکیک‌شده در مبدأ است و از ورود پسماندهای آلوده و مخلوط جلوگیری می‌شود، محصول حاصل می‌تواند از نظر بهداشتی شرایط مطلوبی داشته باشد.

یک‌هزار و ۵۰۰ کاربر در بیش از ۷۰ شهر کشور

در حال حاضر نزدیک به یک‌هزار و ۵۰۰ کاربر در بیش از ۷۰ شهر کشور از دستگاه‌های زی‌زا استفاده می‌کنند که نزدیک به یک‌هزار دستگاه آن در اصفهان فعال است. این آمار نشان می‌دهد دغدغه‌های محیط‌زیستی در میان بخشی از شهروندان جدی شده است و مردم حاضرند برای مدیریت مسئولانه پسماندهای خانگی خود هزینه کنند.

شهرداری اصفهان نخستین شهرداری کشور بود که به این مجموعه اعتماد کرد و حدود ۸۰۰ دستگاه را برای اجرای طرح پایلوت خریداری و به‌صورت رایگان در اختیار شهروندان قرار داد تا امکان‌پذیری مدیریت پسماند در مبدأ در مقیاس یک محله و جامعه مورد ارزیابی قرار گیرد. پس از این تجربه، در شهرهای مختلف نیز خرید دستگاه از سوی شهرداری‌ها و شهروندان دنبال شده است. این استقبال نشان می‌دهد اگر راهکار مناسبی در اختیار مردم قرار گیرد، می‌توان آن‌ها را از مصرف‌کننده خدمات مدیریت پسماند به یکی از بازیگران اصلی این چرخه تبدیل کرد. اگر دستگاه به‌صورت کاملا رایگان در اختیار مردم قرار گیرد، ممکن است بخشی از شهروندان انگیزه کافی برای استفاده مستمر از آن نداشته باشند و اگر تمام هزینه نیز برعهده خانوار باشد، امکان استقبال گسترده کاهش پیدا می‌کند.

می‌توان مدلی مشارکتی طراحی کرد که بخشی از هزینه خرید دستگاه را شهرداری و بخشی را خانوار پرداخت کند؛ همچنین اگر کمپوست تولیدشده از سوی خانواده‌ها با قیمت مناسب و در یک قرارداد بلندمدت خریداری شود، انگیزه اقتصادی بیشتری برای مشارکت شهروندان ایجاد خواهد شد.

مسئله اصلی این است که مدیریت پسماند را از مقصد به مبدأ منتقل کنیم. وقتی هر خانواده بتواند سهم خود را در کاهش پسماند و بازگرداندن مواد مغذی به طبیعت ایفا کند، هم هزینه‌های مدیریت شهری کاهش می‌یابد و هم منابع ارزشمندی که امروز دور ریخته می‌شوند، دوباره به چرخه حیات بازمی‌گردند.

شهرداری اصفهان نخستین شهرداری کشور بود که حدود ۸۰۰ دستگاه را برای اجرای طرح پایلوت خریداری کرد و رایگان در اختیار شهروندان قرار داد



علی دهنوی، عضو هیئت‌علمی گروه مهندسی محیط‌زیست دانشگاه اصفهان: ۷۰ درصد پسماند شهری اصفهان قابلیت تبدیل به کمپوست دارد

تغییر رویکرد مدیریت پسماند از دفن به کاهش تولید، بازیافت و بازیابی ضروری است. حدود ۷۰ درصد پسماند شهری اصفهان را پسماند تر تشکیل می‌دهد که بخش عمده آن، قابلیت تجزیه بیولوژیکی و تبدیل به کمپوست را دارد؛ ظرفیتی ارزشمند که مدیریت آن در مبدأ می‌تواند هزینه‌های شهری و پیامدهای زیست‌محیطی را به میزان چشمگیری کاهش دهد. هر کالایی که از نظر مصرف‌کننده زائد تلقی شود و بخواهد آن را از محیط زندگی خود دور کند، پسماند نامیده می‌شود؛ درحالی‌که ممکن است همان ماده برای فرد دیگری قابل‌استفاده مجدد، بازیافت یا بازیابی باشد؛ بنابراین باید نگاه خود را به پسماند تغییر دهیم و آن را صرفا یک ماده دورریختنی ندانیم. مدیریت پسماند از جنبه‌های بهداشتی، اقتصادی و زیبایی‌شناختی اهمیت دارد و انباشت و دفن غیراصولی پسماند می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای محیط زیست داشته باشد. آلودگی هوا، انتشار بوهای نامطبوع، آتش‌سوزی، آلودگی منابع آب و خاک و فراهم‌شدن زمینه تکثیر حشرات و جوندگان ازجمله مشکلات ناشی از مدیریت نامناسب پسماند است. میزان شاخص اکسیژن خواهی شیمیایی (COD) در فاضلاب شهری حدود ۵۰۰ تا ۶۰۰ میلی‌گرم در لیتر است؛ درحالی‌که این شاخص در شیرابه زباله اصفهان به بیش از ۱۰۰ هزار میلی‌گرم در لیتر می‌رسد؛ همچنین هدایت الکتریکی آب زاینده‌رود حدود ۴۷۰ تا ۵۰۰ میکروزیمنس بر سانتی‌متر است؛ اما این عدد در شیرابه پسماند اصفهان از ۱۰۰ هزار میکروزیمنس بر سانتی‌متر فراتر می‌رود. این اعداد نشان‌دهنده حجم بالای آلاینده‌ها و یون‌های مختلف، ازجمله برخی فلزات سنگین، در شیرابه است که می‌تواند سلامت محیط‌زیست و منابع آب را تهدید کند. باید توجه داشت که هوا، آب و خاک سه مؤلفه به‌هم‌پیوسته محیط‌زیست هستند و آلودگی هرکدام می‌تواند بر دو مؤلفه دیگر نیز تأثیر بگذارد.

ضرورت تغییر هرم مدیریت پسماند

در گذشته دفن، اصلی‌ترین روش مدیریت پسماند محسوب می‌شد؛ اما به‌تدریج این نگاه تغییر کرد و امروزه کاهش تولید در مبدأ، استفاده مجدد، بازیافت و بازیابی مواد و انرژی در اولویت قرارگرفته‌اند و دفن باید به آخرین مرحله مدیریت پسماند تبدیل شود. در مؤلفه‌های مدیریت یکپارچه پسماند، نخستین موضوع، کاهش تولید پسماند است. بخشی از پسماندهای تولیدی اجتناب‌ناپذیر هستند؛ اما بخش دیگری را می‌توان با اصلاح الگوی مصرف و رفتار شهروندان کاهش داد. پس از آن، استفاده مجدد و بازیافت مواد اهمیت پیدا می‌کند. میان بازیافت و بازیابی نیز تفاوت وجود دارد؛ برای مثال، زمانی که آهن دوباره به چرخه تولید آهن بازمی‌گردد، با بازیافت روبه‌رو هستیم؛ اما وقتی پوست میوه و باقی‌مانده مواد غذایی به کمپوست تبدیل می‌شود، فرایند بازیابی مواد انجام شده است؛ زیرا ماده اولیه به محصول دیگری تبدیل می‌شود که در چرخه‌ای جدید مورداستفاده قرار می‌گیرد. هرچه تفکیک، بازیافت و بازیابی مواد در محل تولید انجام شود، فرایند مدیریت پسماند اقتصادی‌تر و کم‌هزینه‌تر خواهد بود. وقتی پسماندهای مختلف با یکدیگر مخلوط می‌شوند، جداسازی آن‌ها در مراکز پردازش دشوارتر و پرهزینه‌تر خواهد شد و حتی ممکن است برای جداسازی برخی مواد به شست‌وشو و مصرف آب نیاز باشد که خود، موجب تولید شیرابه و آلودگی بیشتر می‌شود.

زی‌زا با هدف تغییر نگاه جامعه به زباله و انتقال مدیریت پسماند از مقصد به مبدأ شکل گرفته است؛ ایده‌ای که به کمک آن شهروندان می‌توانند پسماندهای تر خود را در خانه به ماده‌ای ارزشمند برای احیای خاک تبدیل کنند. کالایی که سال‌ها به‌عنوان آشغال و ماده‌ای زائد می‌شناختیم و تصور می‌کردیم باید هرچه سریع‌تر از محیط زندگی خود دور کنیم، می‌تواند دوباره به طبیعت بازگردد و حتی به عاملی برای احیای آن تبدیل شود

۷۰ درصد پسماند شهری اصفهان تر است

ازنظر ترکیب فیزیکی، پسماندها به دو گروه تر و خشک تقسیم می‌شوند. پسماند تر عمدتا شامل مواد آلی و تجزیه‌پذیر است. بر اساس آمارهای ارائه‌شده، حدود ۳۰ درصد پسماند شهر اصفهان خشک و حدود ۷۰ درصد آن تر است؛ باوجوداین، شهروندان تنها بخشی از پسماند خشک را تفکیک می‌کنند و بخش فراوانی همچنان همراه با پسماند تر وارد چرخه جمع‌آوری و پردازش می‌شود. در مراکز پردازش تلاش می‌شود مواد قابل بازیافت از پسماند مخلوط جدا شوند؛ اما این کار به تجهیزات، نیروی انسانی و هزینه بیشتری نیاز دارد و از نظر بهداشتی و زیست‌محیطی نیز با مشکلاتی همراه است. درصورتی‌که تفکیک در مبدأ به‌درستی انجام شود، بسیاری از این هزینه‌ها و دشواری‌ها کاهش پیدا می‌کند. بخش چشمگیری از پسماند تولیدی قابلیت تجزیه بیولوژیکی دارد و می‌توان از آن برای تولید کمپوست استفاده کرد؛ بنابراین دستگاه‌های کمپوست‌ساز خانگی می‌توانند در مدیریت این بخش از پسماند نقش مؤثری داشته باشند. برای مدیریت پسماندهای قابل‌تجزیه، روش‌های مختلفی ازجمله کمپوست‌سازی هوازی و تولید گاز متان به روش بی‌هوازی وجود دارد؛ همچنین خشک‌سازی و تولید سوخت جایگزین، سوزاندن مستقیم و برخی فناوری‌های نوین مانند پیرولیز نیز از روش‌های مورداستفاده در این حوزه هستند. در اصفهان چند مرکز پردازش پسماند فعال هستند که با استفاده از تجهیزاتی مانند آهن‌ربا، نوار نقاله، سرند و جداسازی دستی، مواد مختلف را از یکدیگر تفکیک می‌کنند؛ بااین‌حال، اگر تفکیک از مبدأ انجام شود، نیاز به بخشی از این فرایندهای پرهزینه کاهش می‌یابد. فعالیت استارتاپ زی‌زا درزمینه تولید کمپوست خانگی چشمگیر است. دستگاه‌های کمپوست‌ساز خانگی می‌توانند در مدیریت پسماند در مبدأ نقش مهمی ایفا کنند. این فناوری در کنار روش‌های صنعتی بازیابی پسماند، بخشی از زنجیره مدیریت یکپارچه پسماند را پوشش می‌دهد و توسعه آن می‌تواند به کاهش حجم پسماند ورودی به مراکز پردازش و دفن کمک کند.

ضرورت تکمیل مطالعات علمی و اقتصادی کمپوست خانگی

در کنار ارزشمندبودن ظرفیت علمی و پژوهشی دستگاه‌های کمپوست‌ساز خانگی، لازم است مطالعات تکمیلی درباره عملکرد دستگاه‌ها، کیفیت کمپوست تولیدی، میزان کاهش پسماند، ردپای کربن و ردپای انرژی انجام شود تا بتوان با داده‌های علمی، کارایی این فناوری را ارزیابی و برای بهینه‌سازی آن اقدام کرد. باید مشخص شود کمپوست تولیدشده از نظر شاخص‌های کیفی چه وضعیتی دارد؟ چه میزان مواد مغذی در آن وجود دارد و برای چه مصارفی مناسب است؟ همچنین باید آموزش‌های لازم به شهروندان ارائه شود تا استفاده از دستگاه به شکل صحیح انجام گیرد. باید مشخص شود خانوارهایی که از دستگاه استفاده می‌کنند و الزاما فضای سبز یا باغچه‌ای برای مصرف کمپوست ندارند، محصول نهایی را چگونه تحویل دهند و چه مجموعه‌ای مسئول جمع‌آوری و استفاده از آن خواهد بود. تعیین میزان رطوبت، درجه‌بندی و کیفیت کمپوست نیز در این فرایند اهمیت دارد. می‌توان با بررسی قیمت روز مواد بازیافتی، هزینه جمع‌آوری و پردازش و سهم مشارکت خانوارها، مدل مالی مناسبی برای توسعه این طرح طراحی کرد؛ البته نباید تمام فعالیت‌های زیست‌محیطی را صرفا با معیار سود اقتصادی سنجید؛ بلکه منافع عمومی و کاهش آسیب‌های محیط‌زیستی نیز باید در محاسبات لحاظ شود. هر اقدام کوچکی در این حوزه ارزشمند است و باید از ظرفیت دانشگاه، بخش خصوصی و جوانان متخصص برای توسعه فناوری‌های نوین استفاده کرد؛ حتی می‌توان با همکاری مجموعه‌های تخصصی، ایجاد شهرک صنعتی بازیافت در اصفهان را دنبال کرد تا ظرفیت‌های موجود در این استان به بستری برای توسعه صنعت بازیافت در کشور تبدیل شود.

غلامرضا اکرام‌نیا، مدیرعامل شرکت پیشگامان انتخاب سبز: بازیافت لوازم‌خانگی؛ معدن‌کاوی شهری و راهی برای حفظ منابع نسل‌های آینده است

با بازگرداندن لوازم‌خانگی مستعمل به چرخه بازیافت و تبدیل آن‌ها به مواد اولیه و محصولات جدید، علاوه بر کاهش نیاز به استخراج از معادن، و جلوگیری از اتلاف انرژی، می‌توان اشتغال تخصصی ایجاد کرده و منابع طبیعی کشور را برای نسل‌های آینده حفظ کرد. اگر بتوانیم حجم چشمگیری از لوازم‌خانگی سنگین و سبک، از یخچال و لباسشویی گرفته تا کولرهای گازی و تجهیزات الکترونیکی را جمع‌آوری و به‌درستی بازیافت کنیم، کمک بزرگی به حفظ منابع طبیعی و کاهش مصرف انرژی کرده‌ایم. این رویکرد را «معدن‌کاوی شهری» نام‌گذاری کرده‌ایم؛ چراکه به جای استخراج مجدد مواد اولیه از دل زمین، از ظرفیت مواد و قطعات موجود در محصولات مستعمل استفاده می‌کنیم.

بخشی از لوازم خانگی قدیمی و پرمصرف، به‌ویژه تجهیزاتی مانند کمپرسور کولرهای گازی، انرژی زیادی مصرف می‌کنند. خارج‌کردن این محصولات از چرخه مصرف و بازیابی اصولی مواد ارزشمند آن‌ها می‌تواند به کاهش مصرف انرژی و فشار بر منابع تولید برق کمک کند. اعداد و برآوردهایی که در این زمینه مطرح می‌کنیم، نشان‌دهنده ظرفیت بالقوه این حوزه است؛ ازجمله اینکه با بازیافت هدفمند لوازم‌خانگی می‌توان نیاز برخی صنایع به مواد اولیه استخراج‌شده از معادن را به میزان چشمگیری کاهش داد. این مجموعه تلاش کرده است بازیافت را از یک فعالیت محدود به جمع‌آوری ضایعات فراتر ببرد. ما در این مجموعه فقط به جمع‌آوری محصولات مستعمل اکتفا نمی‌کنیم؛ بلکه تلاش داریم مواد به‌دست‌آمده از آن‌ها را به مواد اولیه و محصولات قابل استفاده در صنایع مختلف تبدیل کنیم. در حوزه فلزات، از ضایعات آهن برای تولید شمش‌های صنعتی استفاده می‌کنیم و بخشی از محصولات تولیدشده نیز در مسیر ساخت میلگرد آجدار، نبشی، تیرآهن و دیگر محصولات فلزی قرار می‌گیرند.

در بخش آلومینیوم نیز به دنبال بازیابی مواد و توسعه تولید محصولاتی مانند نبشی و پروفیل‌های آلومینیومی هستیم؛ همچنین در حوزه پلاستیک، فرایند تبدیل ضایعات نایلونی به پرک و سپس گرانول را دنبال می‌کنیم تا این مواد دوباره در تولید محصولات جدید، ازجمله نایلون، مورداستفاده قرار گیرند.

esfahan ziba online .ir
اصفهان زیبا
شماره ۵۵۰۵
۱۶ / ۰۸ / ۱۴۰۵
شنبه
ویراستار و دبیر صفحه
فاطمه رجب زاده

خبر

نگاهی به ترویج آموزه‌های صوفی و اباحه گری در قالب تورهای گردشگری

سید رضا موسوی، کارشناس نقد تصوف فرقه‌ای، طی یادداشتی با عنوان «ترویج صوفیگری در قالب تورهای گردشگری؛ تهدیدی پنهان در لباس معنویت!» نوشت:

در حالی که گردشگری در کشور ما می‌تواند بستری برای معرفی فرهنگ اصیل اسلامی و ایرانی باشد، گزارش‌ها و شواهد میدانی حاکی از آن است که برخی از مؤسسات به اصطلاح فرهنگی و هنری که به ترویج نوعی صوفی گری و اسلام منهای سیاست می پردازند، در قالب تورهای گردشگری و سفر به مقبره و یا یادمان های صوفیان و عارفانی کهن اقدام می‌کنند. این تورها که با عنوان فریبنده «اردوهای معنوی» یا «سفر فرهنگی» برگزار می‌شوند، در عمل به محلی برای ترویج آموزه‌های صوفیانه تبدیل شده‌اند که با مبانی اصیل اسلامی فاصله دارد. آنچه در ظاهر یک برنامه تفریحی یا معنوی دیده می‌شود، در باطن پروژه‌ای تدریجی برای تغییر نگرش دینی و فرهنگی است.

آسیب‌های محوری در تورهای صوفیانه

روشن است که این‌گونه مؤسسات با برگزاری چنین اردوهایی، آسیب های جدی به جامعه وارد می‌کنند و نوعی اسلام صوفیانه را ترویج می‌دهند؛ در ادامه به دو مورد از آن اشاره می‌شود.

اول، تفکیک عمدی معنویت از سیاست: یعنی حال خوش معنوی، بدون هیچ دغدغه‌ای نسبت به سرنوشت جامعه و نظام اسلامی؛ اینکه انسان نسبت به مسائل جامعه اسلامی بی‌تفاوت باشد و تنها در کنج انزوا و در حلقه‌ی خود بنشیند و به حال خوش معنوی بیندیشد. این رویکرد در حقیقت همان الگوی مورد نظر جریان‌های انحرافی است که می خواهند مسلمانان را از صحنه اجتماع و مسئولیت‌پذیری دور نگه دارند. دقیقاً همان هدفی است که دشمنان انقلاب اسلامی در جنگ نرم دنبال می‌کنند. آن‌ها جدا کردن مردم از آرمان‌های انقلابی و مسئولیت‌های اجتماعی را به شدت دنبال می‌کنند.

دوم، بی توجهی به شریعت: در این اردوها هیچ تأکیدی بر رعایت احکام شرعی نمی‌شود؛ به‌گونه‌ای که زنان با حجاب نامناسب و گاه بدون حجاب در این برنامه‌ها حاضر می‌شوند و ظاهراً احدی از مسئولان دوره به آنان تذکر نمی‌دهد و هیچ دغدغه‌ای در این زمینه وجود ندارد! بی شک، حضور برخی از زنان بی‌حجاب در این دوره‌های به اصطلاح معنوی و عرفانی، نشان‌دهنده نوعی بی توجهی به شریعت اسلامی است. همچنین متأسفانه در این تورها، به جای تأکید بر نماز و سایر احکام الهی، بر «حال خوش معنوی» و «تجربه شخصی» تأکید می‌شود که نتیجه آن، تضعیف پایبندی به شریعت در میان شرکت‌کنندگان است.

این بی‌توجهی به شریعت، دقیقاً همان الگویی است که در نقد تصوف مطرح می‌شود: «شریعت را در جای کمرنگ قرار داده، به سراغ طریقت می‌روند؛ لذا در بسیاری موارد، چارچوب‌های فقهی را می‌شکنند». در حالی که عرفان اصیل اسلامی همواره «شریعت‌محور» بوده و سلوک بدون پایبندی به احکام شرع، گمراه‌کننده است.

پیامدهای پنهان

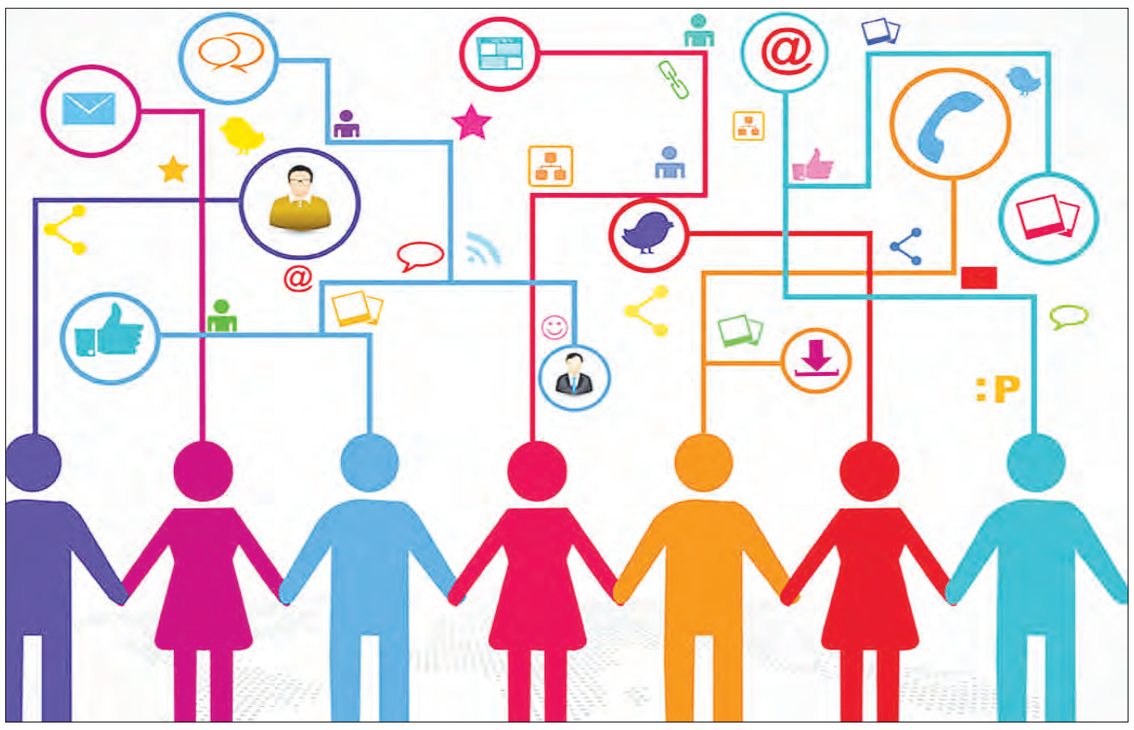
این فرآیند، به‌ویژه برای جوانان و نسل نو، خطرناک‌تر است؛ چراکه در قالب برنامه‌های جذاب گردشگری، امکان انحراف اعتقادی بدون ایجاد حساسیت فراهم می‌شود. تجربه تاریخی نشان داده است که جریان‌های صوفی‌گری همواره از پوشش‌های فرهنگی و تفریحی برای نفوذ در بدنه جامعه استفاده کرده‌اند. نمونه‌های زیادی در بستر تایخ قابل مشاهده است.

لزوم هوشیاری

دستگاه‌های نظارتی باید نسبت به این‌گونه فعالیت‌ها هوشیار باشند و از تبدیل تورهای گردشگری به ابزاری برای ترویج فرقه‌گرایی و انحراف اعتقادی جلوگیری کنند. نظارت بر محتوای اردوها، بررسی سخنرانان و تذکر به برگزارکنندگان در صورت مشاهده تخلفات شرعی، از جمله اقدامات ضروری است. همچنین خانواده‌ها باید نسبت به ماهیت برخی از این تورهای «معنوی» آگاه باشند و مراقب باشند که «معنویت» در لباس «گردشگری»، به وسیله‌ای برای ترویج آموزه‌های انحرافی تبدیل نشود. بی‌شک، صیانت از اعتقادات نسل جوان و حفظ مرزهای شریعت، وظیفه‌ای همگانی است که نیازمند هوشیاری نهادهای مسئول و آگاهی بخشی عمومی است./ تسنیم

تأملی در منطق ظرفیت‌آفرینی نظام مدیریت فرهنگی

بازخوانی مسئولیت سازمان‌های فرهنگی در خلق، حفظ و توسعه ظرفیت‌های فرهنگی





علی‌اکبر بقایی
فعال حوزه فرهنگ

سازمان‌های متعددی، مستقیم یا غیرمستقیم، در حوزه فرهنگ فعالیت می‌کنند. برخی مأموریت خود را ارتقای فرهنگ عمومی تعریف کرده‌اند، برخی به فرهنگ شهرنشینی و شهروندی می‌پردازند و برخی در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، آموزشی و رسانه‌ای ایفای نقش می‌کنند. این سازمان‌ها برای تحقق مأموریت‌های خود بودجه اختصاص می‌دهند، نیروی انسانی به‌کار می‌گیرند، امکانات فراهم و محصولات فرهنگی تولید و عرضه می‌کنند؛ با این حال، به یک پرسش بنیادین کمتر توجه می‌شود: این سازمان‌ها برای خلق و توسعه ظرفیت‌هایی که اساسا امکان انجام فعالیت فرهنگی را فراهم می‌کنند، چه می‌کنند؟

به نظر می‌رسد یکی از ضعف‌های ریشه‌ای مدیریت فرهنگی، غلبه نگاه مصرف‌محور بر رویکرد ظرفیت‌ساز است. سازمان‌های فرهنگی، حتی زمانی که در ظاهر تولیدکننده محصولات فرهنگی‌اند، در لایه‌ای عمیق‌تر عمدتاً مصرف‌کننده ذخایر و ظرفیت‌هایی هستند که الزاماً خود را در خلق، حفظ، تقویت و توسعه آن‌ها مسئول نمی‌دانند. آن‌ها از کنشگران موجود استفاده می‌کنند، در میدان‌های از پیش شکل‌گرفته فعالیت می‌کنند و به روش‌ها و فناوری‌هایی متکی‌اند که غالباً در جای دیگری تولید شده‌اند، بی‌آنکه لزوماً توسعه این ظرفیت‌ها را بخشی از مأموریت خود بدانند.

این وضعیت، حلقه مفقوده‌ای در نظام مدیریت فرهنگی است که فقدان آن، از سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی تا اجرا و اثربخشی فعالیت‌های فرهنگی را با ضعف و محدودیت مواجه می‌کند.

فعالیت فرهنگی و سه ظرفیت بنیادین آن

هر فعالیت فرهنگی از مجموعه‌ای از ارکان و مؤلفه‌ها، از جمله موضوع، مسئله، هدف، مخاطب، محتوا، قالب، منابع و ابزارها شکل می‌گیرد. اما در کنار این عناصر، پرسش مهم‌تری نیز وجود دارد: چه ظرفیت‌هایی امکان شکل‌گیری، تحقق، اثربخشی و تداوم فعالیت فرهنگی را فراهم می‌کنند؟

در این یادداشت، ظرفیت فرهنگی به مجموعه توانایی‌ها، بسترها و دانش‌های انباشته‌ای اشاره دارد که امکان شکل‌گیری، هدایت، تحقق، تکرار و توسعه فعالیت‌های فرهنگی را فراهم می‌کنند. ظرفیت، برخلاف محصول که خروجی مستقیم یک فعالیت است، امکانی است که در فعالیت‌های بعدی نیز قابل بهره‌برداری خواهد بود. تمرکز این یادداشت بر سه ظرفیت بنیادین فعالیت فرهنگی است: عامل، میدان و فناوری فرهنگی.

عامل، اراده و توان انسانی لازم برای پیشبرد کنش را فراهم می‌کند. میدان، بستر مناسبات و فرصت‌های تحقق و اثرگذاری آن را شکل می‌دهد و فناوری فرهنگی، دانش و تجربه را به سازوکارهای عملی و قابل تکرار و توسعه تبدیل می‌کند. این سه ظرفیت در عمل به یکدیگر وابسته‌اند. عامل برای اثرگذاری به میدان مناسب نیاز دارد. میدان بدون حضور و کنشگری عاملان، به بستری کم‌تحرک تبدیل می‌شود و فناوری نیز زمانی به ظرفیت مؤثر بدل می‌شود که در میدان واقعی به کار گرفته شود و در اختیار عاملان توانمند قرار گیرد. منابع مالی، تجهیزات و امکانات نیز برای فعالیت فرهنگی ضروری‌اند، اما تأمین آن‌ها به‌تنهایی به معنای برخورداری از ظرفیت لازم برای شناخت مسئله، طراحی و راهبری فعالیت و دستیابی به اثر پایدار نیست.

عامل فرهنگی، فراتر از نیروی انسانی و مجری

در فعالیت فرهنگی، صرف حضور نیروی انسانی متخصص یا به‌کارگیری مجریان ماهر، به معنای برخورداری از عامل فرهنگی نیست. عامل فرهنگی کسی است که در نسبت با یک مسئله یا هدف فرهنگی، جایگاه و نقش خود را آگاهانه تشخیص می‌دهد، هدف فعالیت را مبنای عمل قرار می‌دهد و نسبت به پیشبرد آن احساس مسئولیت و التزام درونی دارد. تفاوت عامل با آنچه می‌توان «مغزافزار» نامید، به نوع نسبت فرد با هدف و هویت فعالیت بازمی‌گردد و صرفاً با میزان تخصص و هوشمندی او سنجیده نمی‌شود.

بنابراین، مسئله سازمان‌های فرهنگی صرفاً تأمین نیروی انسانی متخصص یا جذب مجریان ماهر نیست. مسئله اصلی، برخورداری از افرادی است که بتوانند مسئله فرهنگی را بشناسند، نسبت خود را با آن تعریف کنند و از موضع آگاهی، اراده و مسئولیت در پیشبرد آن نقش‌آفرینی کنند.

شکل‌گیری و تقویت عاملیت فرهنگی را نمی‌توان به وجود چند رشته دانشگاهی یا برگزاری دوره‌های آموزشی برای نیروهای اجرایی تقلیل داد. این امر مستلزم توجه به عاملیت در تمام شئون و مراحل فعالیت فرهنگی است.

#میدان فرهنگی، فراتر از فضای فیزیکی و دیجیتال

میدان فرهنگی را نباید با مکان برگزاری فعالیت یا فضای فیزیکی و دیجیتال اشتباه گرفت. میدان، بستر و عرصه راهبردی تحقق عمل فرهنگی است و مجموعه‌ای از مناسبات، موقعیت‌ها، فرصت‌ها، قواعد، منابع و نیروهای اجتماعی را دربرمی‌گیرد که کنشگران در آن امکان طراحی، انجام، گسترش و اثرگذاری فعالیت خود را پیدا می‌کنند. میدان، عرصه مفهومی و عینی عمل فرهنگی است. عرصه‌ای که در آن کنشگران همکاری، رقابت یا تقابل می‌کنند و گفتمان‌ها، ارزش‌ها و نیروهای اجتماعی با یکدیگر مواجه می‌شوند. میدان ممکن است در یک فضای فیزیکی، بستر دیجیتال، شبکه روابط اجتماعی یا مناسبات نهادی و گفتمانی شکل بگیرد. اما مهم‌تر آنکه میدان فقط محل وقوع فعالیت نیست، بلکه امکان وقوع و اثرگذاری آن را نیز شکل می‌دهد. یک فعالیت فرهنگی علاوه بر محل اجرا، به فرصت ارتباط، شبکه‌های اجتماعی، مناسبات اعتماد، قواعد تعامل و پذیرش اجتماعی نیاز دارد.

برای مثال، ساخت یک فرهنگ‌سرا یا سالن همایش، به‌خودی‌خود به معنای خلق میدان فرهنگی نیست. چنین فضایی زمانی به بخشی از یک میدان فرهنگی تبدیل می‌شود که امکان شکل‌گیری روابط، شبکه‌ها، فرصت‌های کنشگری، یادگیری و تداوم فعالیت در آن فراهم شده باشد. بنابراین، توسعه زیرساخت فیزیکی را نباید با توسعه میدان فرهنگی یکسان دانست.

فناوری فرهنگی، فراتر از ابزار و تجهیزات

فناوری فرهنگی، حاصل کاربست نظام‌مند دانش و تجربه برای طراحی سازوکارهایی است که امکان تحقق مؤثر فعالیت‌های فرهنگی را فراهم می‌کنند. فناوری فرهنگی در سطحی میان نظریه و عمل قرار دارد و مفاهیم، ایده‌ها و تجربه‌های فرهنگی را به سازوکارها، مدل‌ها و الگوهای عملیاتی تبدیل می‌کند که قابلیت آزمون، تکرار، انتقال و توسعه دارند.

به بیان دیگر، فناوری فرهنگی این امکان را فراهم می‌کند که یک تجربه موفق به الگویی قابل تکرار و انتقال تبدیل شود و از یک ایده یا نظریه، روشی عملیاتی به دست آید. برای مثال، روش موفق جلب مشارکت اجتماعی، الگوی سازمان‌دهی کنشگران محلی یا سازوکار تغییر رفتار جمعی، می‌تواند با صورت‌بندی، آزمون، اصلاح و مستندسازی به فناوری فرهنگی تبدیل شود.

سازمانی که تجربه‌های خود را به فناوری تبدیل نمی‌کند، ناگزیر است برای دستیابی به نتایج مشابه، بارها مسیر یادگیری و آزمون را از ابتدا طی کند و هزینه و زمان دوباره‌ای صرف کند. از این منظر، فناوری فرهنگی دانشی برای اجرای بهتر برنامه‌ها و در عین حال، ظرفیتی برای یادگیری، تکثیر و توسعه عمل فرهنگی است.

از مصرف ظرفیت تا راهبری زیست‌بوم فرهنگی

با این تعاریف، می‌توان به مسئله اصلی بازگشت: نسبت سازمان‌های فرهنگی با سه ظرفیت عامل، میدان و فناوری چیست؟

بخش قابل توجهی از سازمان‌های فرهنگی، مأموریت خود را عمدتاً تولید و عرضه محصول فرهنگی به مخاطب تعریف کرده‌اند. این سازمان‌ها منابع مالی و امکانات لازم را تأمین می‌کنند، نیروی انسانی به‌کار می‌گیرند، از متخصصان و مجریان بیرونی استفاده می‌کنند و در فضاها و بسترهای موجود، با بهره‌گیری از روش‌ها و الگوهای در دسترس فعالیت می‌کنند. با این حال، کمتر پیش می‌آید که خلق و تقویت کنشگران، توسعه میدان‌های فرهنگی و تولید فناوری فرهنگی را بخشی از مأموریت اصلی و مستمر خود بدانند.

در چنین شرایطی، سازمان ممکن است در ظاهر تولیدکننده محصولات فرهنگی باشد، اما در لایه‌ای عمیق‌تر، مصرف‌کننده ظرفیت‌هایی باقی بماند که دیگران ایجاد کرده‌اند. سازمان‌های فرهنگی ممکن است محصول تولید کنند، بی‌آنکه ظرفیت تولید را توسعه دهند. برای مثال، سازمانی ممکن است هر سال ده‌ها برنامه اجرا کند، اما در پایان سال نه کنشگران توانمندتری نسبت به ابتدای سال پرورش داده باشد، نه فناوری تازه‌ای تولید کرده و نه میدان فرهنگی را توسعه داده باشد. در این حالت، خروجی‌های متعددی تولید شده‌اند، اما ظرفیت پایداری که امکان خلق خروجی‌های بیشتر و مؤثرتر را فراهم کند، شکل نگرفته است.

البته مسئله صرفاً مصرف کردن نیست؛ چراکه مصرف، بخشی طبیعی از هر نظام فعالیت است. مسئله، مصرف بدون مسئولیت‌پذیری نسبت به بازتولید ظرفیت‌هاست. سازمان‌ها از کنشگران استفاده می‌کنند، اما لزوماً دغدغه حفظ و تقویت عاملیت آنان را ندارند. در میدان‌های موجود فعالیت می‌کنند، اما الزاماً برای توسعه آن‌ها کاری انجام نمی‌دهند. از فناوری‌های در دسترس نیز بهره می‌برند، اما کمتر تجربه‌های خود را به فناوری‌های جدید تبدیل می‌کنند. در نتیجه، فعالیت فرهنگی برای تداوم خود پیوسته به تأمین بیرونی ظرفیت‌ها وابسته می‌ماند، بی‌آنکه الزاماً به افزایش ظرفیت‌های در دسترس جامعه و نظام فرهنگی منجر شود. این وضعیت را نباید صرفاً به ضعف عملکرد یک یا چند سازمان نسبت داد.

مسئله عمیق‌تر، غلبه نگاهی در مدیریت فرهنگی است که فعالیت را عمدتاً از نقطه تأمین منابع مالی و تمهید مقدمات اجرای برنامه می‌بیند، اما به زنجیره پیشینی و پشتیبان آن توجه کافی ندارد؛ اینکه چه کسانی باید مسئله فرهنگی را بشناسند و از موضع عاملیت به آن بپردازند، چه فناوری‌هایی برای تحقق اهداف لازم است و چه میدان‌هایی باید شکل بگیرد.

پاسخ به این خلأ، لزوماً تأسیس مراکز جدید یا ایجاد سازمان‌های تخصصی آموزش و تربیت کنشگر فرهنگی نیست. وجود نهادهای آموزشی یا تولید مقاله و نظریه نیز به‌خودی‌خود به معنای خلق عامل فرهنگی یا فناوری فرهنگی نیست، مگر آنکه دانش و آموزش به عاملیت مؤثر و سازوکارهای قابل استفاده در میدان واقعی تبدیل شوند. آنچه ضرورت دارد، شکل‌گیری یک درک و رویکرد ظرفیت‌ساز در سراسر نظام فعالیت فرهنگی است. سازمان‌ها نباید خود را صرفاً متولی تولید و عرضه محصول فرهنگی بدانند. آن‌ها باید متناسب با نقش و توان خود، در خلق، تقویت، تأمین یا توسعه ظرفیت‌های مورد نیاز برای تحقق مأموریتشان مشارکت کنند. این مسئولیت به معنای آن نیست که هر سازمان باید همه کنشگران مورد نیاز خود را تربیت کند، همه فناوری‌ها را تولید کند یا تمام میدان‌های فعالیت را به تنهایی بسازد. بخشی از ظرفیت‌ها درون سازمان‌ها شکل می‌گیرند و بخشی دیگر در گروه‌های حرفه‌ای، میان کنشگران مستقل، در نهادهای آموزشی و پژوهشی یا در بستر مناسبات اجتماعی و نهادی پدید می‌آیند. از این‌رو، خلق و توسعه ظرفیت‌های فرهنگی به تعامل، همکاری و تقسیم نقش میان موجودیت‌های مختلف نیاز دارد. برای تحقق این امر، باید از نگاه صرفاً سازمان‌محور و فعالیت‌محور فاصله گرفت و به سمت شکل‌گیری و تقویت زیست‌بوم فعالیت فرهنگی حرکت کرد؛ زیست‌بومی که در آن سازمان‌های فرهنگی، مراکز آموزشی و پژوهشی، گروه‌های حرفه‌ای، کنشگران مستقل، نهادهای مدنی و مجموعه‌های تأمین‌کننده منابع، در فرایندهای خلق، تولید، تأمین، مصرف، انتقال و توسعه ظرفیت‌های فرهنگی مشارکت دارند.

در چنین زیست‌بومی، تولیدکننده و مصرف‌کننده دو نقش ثابت و جدا از هم نیستند. هر موجودیت می‌تواند در بخشی از زنجیره تولیدکننده و در بخشی دیگر مصرف‌کننده باشد. برای مثال، سازمانی ممکن است در اجرای یک برنامه از فناوری تولید شده توسط مجموعه‌ای دیگر استفاده کند و هم‌زمان به تقویت عاملیت کنشگران، توسعه میدان یا تولید فناوری جدید کمک کند.

همان‌گونه که سازمان درباره منابع مالی خود پاسخ‌گوست، باید بتواند توضیح دهد که در نتیجه فعالیت‌هایش چه میزان ظرفیت فرهنگی ایجاد یا تقویت شده و چه میزان از ظرفیت‌های موجود بهره‌برداری کرده است

سنجش عملکرد و سخن پایانی

این تغییر نگاه، بدون بازنگری در معیارهای ارزیابی عملکرد سازمان‌ها محقق نخواهد شد. تا زمانی که موفقیت سازمان‌های فرهنگی عمدتاً با میزان بودجه مصرف شده، تعداد برنامه‌های اجراشده، تعداد مخاطبان و حجم محصولات تولیدشده سنجیده شود، طبیعی است که توجه مدیریتی به سمت افزایش فعالیت و تولید خروجی‌های کوتاه‌مدت معطوف بماند. در کنار این شاخص‌ها، باید میزان مشارکت سازمان در خلق، حفظ، تقویت و توسعه ظرفیت‌های فرهنگی نیز سنجیده شود. از جمله:

سازمان تا چه اندازه به شکل‌گیری و تقویت عاملیت در میان کنشگران فرهنگی کمک کرده است؟

چه روش‌ها، الگوها، مدل‌ها و فناوری‌های فرهنگی را تولید، آزمون یا توسعه داده است؟

چه میدان‌ها، شبکه‌ها و فرصت‌های جدیدی برای کنش فرهنگی ایجاد یا تقویت کرده است؟

چه میزان از تجربه‌های موفق خود را به دانش کاربردی و قابل انتقال تبدیل کرده است؟

فعالیت‌هایش تا چه اندازه به افزایش توان سایر موجودیت‌های زیست‌بوم فرهنگی منجر شده است؟

در واقع، باید در کنار حساب هزینه‌های مالی، به حساب ظرفیت‌های ایجادشده و مصرف‌شده نیز توجه کنیم. همان‌گونه که سازمان درباره منابع مالی خود پاسخ‌گوست، باید بتواند توضیح دهد که در نتیجه فعالیت‌هایش چه میزان ظرفیت فرهنگی ایجاد یا تقویت شده و چه میزان از ظرفیت‌های موجود بهره‌برداری کرده است.

فعالیت‌های فرهنگی را نمی‌توان صرفاً با افزایش بودجه، گسترش امکانات، برگزاری رویدادهای متعدد و تولید محصولات متنوع، اثربخش و پایدار ساخت. فرهنگ برای پویایی و تحول، به کنشگرانی نیاز دارد که از موضع عاملیت به میدان بیایند، به میدان‌هایی نیاز دارد که امکان شکل‌گیری و اثرگذاری کنش را فراهم کنند و به فناوری‌هایی نیاز دارد که نظریات و تجربیات را به روش‌های مؤثر، قابل تکرار و قابل توسعه تبدیل کنند.

ضرورت امروز مدیریت فرهنگی، صرفاً افزایش فعالیت‌ها و محصولات نیست، بلکه تغییر در منطق اداره و راهبری فعالیت فرهنگی است: گذار از اتکای صرف به بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود به سمت مشارکت مسئولانه در خلق، حفظ، تقویت و توسعه ظرفیت‌های فرهنگی. این گذار زمانی محقق می‌شود که هر سازمان، متناسب با مأموریت و نقش خود، تقویت عاملیت کنشگران، توسعه میدان‌های فرهنگی و تولید یا توسعه فناوری‌های فرهنگی را بخشی از مسئولیت خویش بداند و آن را فعالیتی فرعی، تشریفاتی یا واگذارشده به دیگران تلقی نکند.

یادداشت

اصفهان؛ شهرِ اقدامات فرهنگی یا سیاست‌های فرهنگ‌پایه؟



فاطمه رجب‌زاده
دبیر صفحه فرهنگ عمومی

وقتی از کار فرهنگی شهرداری حرف می‌زنیم، معمولاً در ابتدا کتابخانه‌ها، جشنواره‌ها، فرهنگسراها و برنامه‌های مناسبتی به ذهن می‌آیند. این‌ها بخش آشکار و قابل مشاهده فعالیت‌های فرهنگی‌اند؛ اما نقش شهرداری در فرهنگ می‌تواند گسترده‌تر باشد: از آموزش رفتارهای شهروندی تا تصمیم‌گیری درباره خیابان، محله، گردشگری و فضای عمومی.

با این حساب، باید میان سه مفهوم تفاوت گذاشت: خدمات فرهنگی، سیاست‌گذاری فرهنگی و حکمرانی مبتنی بر فرهنگ. به عبارت دیگر، گاهی یک نهاد وظیفه ارائه خدمات فرهنگی دارد؛ گاهی باید بستر فعالیت‌های فرهنگی با مشارکت همگانی را فراهم کند؛ و گاهی مهم‌تر از این‌ها، در نظر گرفتن سیاست‌هایی است که در مجموع به رشد فرهنگی منجر می‌شوند.

اگر نهادهای مدیریتی محلی، در کنار ارائه خدمات، در موضوع‌هایی چون توسعه اقتصادی، رفاه اجتماعی، هویت جمعی و زندگی محله‌ای نیز نقش دارند، مهم است که این اقدامات با توجه به یک نکته انجام شوند: پیامدهای تصمیم‌ها در هر یک از این حوزه‌ها با یکدیگر تلاقی دارند. مسئله‌ای که در ادامه، با تأکید بر اقدامات شهرداری اصفهان در حوزه فرهنگ، به آن می‌پردازیم.

حوزه عمل فرهنگی شهرداری اصفهان

براساس توضیح متولیان شهرداری اصفهان، فعالیت‌های فرهنگی این نهاد در دوره کنونی در پنج محور قرار می‌گیرد:

- فرهنگ شهروندی: آموزش رعایت حقوق شهروندان، حفظ نظافت و زیبایی شهر، تفکیک پسماند، حفاظت از محیط زیست، احترام به مقررات شهری و تقویت فرهنگ همسایگی.
- ترویج کتاب‌خوانی و فعالیت‌های فرهنگی: برگزاری مسابقه‌های کتاب‌خوانی، اجرای برنامه‌های فرهنگی در کتابخانه‌ها و فرهنگسراها، برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌های آموزشی و فراهم‌کردن فرصت مشارکت شهروندان.
- حفظ و تقویت هویت تاریخی و فرهنگی اصفهان: معرفی تاریخ و تمدن شهر، برگزاری تورهای گردشگری ازسوی اداره گردشگری سازمان و معرفی مفاخر، هنرمندان و میراث فرهنگی اصفهان.
- تقویت فرهنگ خانواده و مسئولیت اجتماعی: برگزاری کارگاه‌های خانواده و مهارت‌های زندگی، ترویج گفت‌وگو و احترام متقابل، افزایش مشارکت اجتماعی و اجرای برنامه‌های فرهنگی در محله‌ها.
- گسترش فرهنگ هنر و نشاط اجتماعی: برگزاری جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های هنری، اجرای برنامه‌های مناسبتی و فراهم‌کردن فرصت مشارکت کودکان، نوجوانان و خانواده‌ها در برنامه‌های فرهنگی و هنری.

براساس این گزارش، بخش مهمی از این اقدامات در سطح ارائه خدمات و اجرای برنامه‌های فرهنگی قرار می‌گیرد؛ یعنی شهرداری برنامه‌ای را طراحی یا پشتیبانی می‌کند و امکان استفاده شهروندان از آن را فراهم می‌آورد. این سطح از فعالیت ضروری است؛ اما مسئولیت شهرداری در برنامه‌ریزی فرهنگی شهری، به ارائه خدمات و برگزاری رویدادها محدود نمی‌شود.

چه تفاوتی میان خدمات فرهنگی و برنامه‌ریزی فرهنگی وجود دارد؟

در ادبیات برنامه‌ریزی فرهنگی شهری، میان «خدمات فرهنگی» و «برنامه‌ریزی فرهنگی» تفاوت وجود دارد. خدمات فرهنگی به اداره مراکز، اجرای برنامه‌ها و حمایت از فعالیت‌ها مربوط است.

برنامه‌ریزی فرهنگی، در مقابل، مستلزم شناخت ظرفیت‌ها و نیازهای فرهنگی شهر، تعیین اولویت‌ها، تدوین جهت‌گیری بلندمدت و هماهنگ‌کردن تصمیم‌های بخش‌های مختلف شهرداری با اهداف فرهنگی است. به این معنا، حرکت از ارائه خدمات به سیاست‌گذاری فرهنگی، جایگزین‌کردن فعالیت‌های اجرایی نیست؛ بلکه قرار دادن آن‌ها در چارچوبی روشن و پیوسته است. وجه مهم‌تر این بحث، همان‌طور که گفته شد، نگرشی جامع به حکمرانی شهری است. تصمیم‌های عمرانی، اقتصادی، حمل‌ونقلی و زیست‌محیطی نیز پیامدهای فرهنگی دارند.

به همین دلیل، لازم است ملاحظات فرهنگی در فرایند تصمیم‌گیری همه این حوزه‌ها حضور داشته باشند. برای مثال، طراحی و احداث خیابان نباید فقط با معیار ظرفیت ترافیکی سنجیده شود. تأثیر آن بر پیوستگی محله، بافت تاریخی، خاطره جمعی و امکان تعامل همسایگان نیز باید بررسی شود.

طرح اقتصادی شهری هم، علاوه بر درآمدزایی و ایجاد فعالیت، باید از نظر تأثیری که بر چهره شهر، الگوهای مصرف، دسترسی عمومی و سرزندگی فضاهای شهری می‌گذارد، ارزیابی شود. همچنین پروژه‌های شهری باید نسبت خود را با محیط زیست و شیوه‌های زندگی محلی روشن کنند. این نگاه به معنای تبدیل هر پروژه به یک برنامه فرهنگی مستقل نیست؛ بلکه به معنای سنجیدن آثار فرهنگی تصمیم‌هایی است که در ظاهر، در حوزه‌های دیگری قرار دارند.

در نتیجه، می‌توان مأموریت فرهنگی شهرداری اصفهان را در دو سطح مکمل دید: نخست، استمرار و بهبود خدمات و برنامه‌های مستقیم فرهنگی که در گزارش متولیان آمده است؛ دوم، واردکردن ملاحظات فرهنگی به سیاست‌ها و پروژه‌های عمرانی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی.

در سطح اول، پرسش اصلی این است که چه خدماتی، برای کدام گروه‌ها و در کدام محله ارائه می‌شود.

در سطح دوم، پرسش این است که مجموع تصمیم‌های شهرداری چه نوع شهری و چه کیفیتی از زندگی جمعی را شکل می‌دهد.

سیاست فرهنگی شهری زمانی از مجموعه‌ای از رویدادها فراتر می‌رود که فرهنگ، هم موضوع فعالیت شهرداری باشد و هم معیاری برای ارزیابی تصمیم‌های کلی آن.

esfahan ziba online .ir
اصفهان زیبا
شماره ۵۵۰۵
۱۶ / ۰۸ / ۱۴۰۵
شنبه

ویراستار و دبیر صفحه
سیده نرگس نظام‌الدین

هفته کتاب

«بازار کتاب»
کتاب‌فروش هفته کتاب می‌شود

بازار کتاب

طرح فروش حضوری و مجازی کتاب فروشی‌ها در سامانه «بازار کتاب» همزمان با سی و چهارمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران از ۲۳ تا ۲۹ آبان ۱۴۰۵ در کتاب‌فروشی‌های عضو این طرح برگزار می‌شود.

در این طرح خریداران از ۲۰ درصد یارانه خرید تا سقف دو میلیون تومان بهره‌مند می‌شوند و هزینه ارسال کتاب‌ها در بخش فروش مجازی نیز بر عهده خریدار خواهد بود.

کتاب‌فروشانی که تاکنون عضو سامانه «بازار کتاب» نشده‌اند، برای مشارکت در این طرح باید از طریق نشانی v.bazarketab.ir فروشگاه خود را ثبت کنند. پس از تکمیل مراحل عضویت، لازم است از طریق منوی «طرح‌های فروش» در طرح هفته کتاب ثبت‌نام کنند. کتاب‌فروشانی که هنوز در سامانه «پست کتاب» ثبت‌نام نکرده‌اند، باید از طریق نشانی newpost.ketab.ir برای عضویت اقدام کنند.

کتاب‌فروشانی هم که پیش‌تر در این سامانه عضو شده‌اند، لازم است نام کاربری و رمز عبور «پست کتاب» خود را در صفحه «داشبورد» بازار کتاب وارد کنند. اتصال موفق به این سامانه با نمایش عبارت «پست کتاب متصل است» تایید می‌شود.

در بخش فروش حضوری، خریدار با مراجعه مستقیم به کتاب‌فروشی‌های عضو این طرح، کتاب‌های مورد نظر خود را انتخاب می‌کند. کتاب‌فروش نیز پس از اطمینان از ثبت کتاب‌های انتخاب‌شده در فهرست محصولات بازار کتاب و کافی بودن موجودی، باید خرید را از طریق منوی «خرید حضوری» در سامانه ثبت کند.

سفارش‌های مجازی از طریق bazarketab.ir ثبت می‌شوند و کتاب‌فروشان موظف‌اند مطابق آیین‌نامه مربوط، حداکثر ظرف ۴۸ ساعت سفارش‌ها را آماده و ارسال کنند.

خانه کتاب و ادبیات ایران همچنین با هدف تسریع در فرآیند تسویه حساب با کتاب‌فروشان و بهبود جریان مالی فروشگاه‌ها، در نظر دارد پس از تحویل کتاب به خریدار و نهایی شدن سفارش، سهم هر کتاب‌فروشی را به صورت خودکار و مستقیم به حساب بانکی آن فروشگاه واریز کند.

بر همین اساس، افتتاح حساب در بانک سرمایه برای تمامی کتاب‌فروشی‌های متقاضی استفاده از این خدمت الزامی خواهد بود. در ادامه روند فعالیت بازارکتاب امکان فروش اقساطی کتاب فراهم خواهد شد که شرایط این بخش به‌زودی اعلام می‌شود و کتاب‌فروشان علاقه‌مند به مشارکت در آن می‌توانند درخواست خود را ارائه کنند.

سی و چهارمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران با شعار «با کتاب گفت‌وگو کنیم» از بیست و سوم تا سی‌ام آبان (۱۴۰۵) در سراسر کشور برگزار می‌شود.

شعر، حافظه روشن تصویرها برای چشمانی که نمی‌بینند

آمنه قاسمی، شاعر و وکیل نابینای خمینی‌شهری، دنیای نادیدنی‌اش را با غزل‌هایش تماشایی کرده است




سیده نرگس نظام‌الدین
دبیر گروه هنر و ادبیات

سیاهی برای آمنه قاسمی پایان جهان نیست؛ نقطه‌ای است که می‌توان از آن عبور کرد و به روشنایی رسید. شاید همین نگاه را بتوان در عنوان نخستین مجموعه شعر او، «بالاتر از سیاهی»، نیز جست‌وجو کرد؛ کتابی که از تجربه‌های شاعری می‌گوید که جهان را در حد نور می‌بیند، اما در شعرهایش به تصویرهایی فراتر از آنچه چشم می‌تواند دریافت کند، جان می‌بخشد.

قاسمی، متولد بهمن ۱۳۶۲ و ساکن خمینی‌شهر، کارشناس ارشد حقوق خصوصی از دانشگاه اصفهان، دارای مدرک کارشناسی روان‌شناسی و وکیل پایه یک دادگستری است. او که از بیماری شبکیه رنج می‌برد، از کودکی با محدودیت بینایی مواجه بوده و اکنون تنها نور را تشخیص می‌دهد؛ با این حال، این محدودیت مانع پیگیری تحصیل، فعالیت حرفه‌ای و زیستن در جهان ادبیات نشده است. علاقه به ادبیات و حضور در انجمن‌های شعر، از سال ۱۴۰۰ مسیر جدی شاعری را برای او رقم زد؛ مسیری که با آموختن وزن و اصول شعر، شنیدن و خواندن آثار دیگران و پذیرفتن نقدها ادامه یافت و پاییز سال گذشته به انتشار نخستین مجموعه شعرش، شامل ۳۳ قطعه در قالب‌های غزل و چهارپاره، در انتشارات گفتمان اندیشه معاصر انجامید.

برای قاسمی، شعر راهی برای بیرون کشیدن احساسات انباشته، رسیدن به آرامش و حفظ تصویرهایی است که نمی‌خواهد از حافظه‌اش پاک شوند. او در کنار وکالت، از تجربه‌های انسانی و اجتماعی موکلانش نیز الهام می‌گیرد و معتقد است شاعری، همچون وکالت، با مسئولیت اجتماعی همراه است. در این گفت‌وگو، از جهان شاعرانه او، نسبت تخیل و تجربه زیسته، معنای «بالاتر از سیاهی» و پیوند شعر با زندگی و حرفه‌اش پرسیده‌ایم.

چه شد که شعر را به عنوان زبان اصلی برای بیان جهان درونی‌تان انتخاب کردید؟

خیلی وقت‌ها انسان حس می‌کند زبان ساده نمی‌تواند مقصودش را برساند و به یک زبان عمیق‌تر و تأثیرگذارتر نیاز دارد. شعر همان مسیری بود که حالم را خوب می‌کرد. انگار شعر، مسائل را از درون من می‌کشد بیرون. وقتی واردش شدم، دیدم چقدر فشارهای روحی و روانی و مسائلی که برایم وجود دارد، به‌ویژه برای من به عنوان یک وکیل نابینای زن که با همه محدودیت‌ها و مسائلش در جامعه فعالیت می‌کنم، با شعر گفتن به آرامش می‌رسد. نوشتن، انسان را به خودشناسی می‌رساند. نوشتن حتی در ساده‌ترین شکلش حال آدم را خوب می‌کند و هرچه این زبان پیچیده‌تر باشد، در بهبودی حال آدمی مؤثرتر است.

پس شعر را راهی برای شناخت خودتان انتخاب کردید.

من شعر را به عنوان راهی برای شناخت خودم انتخاب نکردم؛ اما یکی از نتایجی که به آن رسیدم، شناخت خودم بود.

وقتی شعری را می‌سرایید، نقطه آغاز این سرودن چیست؟ یک تصویر، یک اتفاق، یک حس، یا یک کلمه؟

بیشتر یک «حس» است که در یک آن ایجاد نمی‌شود. دقیقا یک حس است. خیلی کلمه‌محور نیست؛ بلکه یک اتفاق، حسی را ایجاد کرده و این حس در ذهن من سنگینی می‌کند و نهایتا یک هفته، دو هفته یا سه هفته بعد، جرقه شعرش زده می‌شود. البته من وقتی حال خیلی خوب یا خیلی بدی دارم، نمی‌توانم چیزی بنویسم؛ اما این روند بعدا آغاز شده و جرقه سرودن شعر زده می‌شود.

آیا از همان ابتدا که شروع به شعر گفتن کردید، به یک زبان و سبک مشخص علاقه داشتید، یا به‌مرور زبان شاعرانه‌تان شکل گرفت؟

برای هرکسی زبان شاعرانه‌اش به مرور شکل می‌گیرد. وقتی به شعرهای اولیه‌مان نگاه می‌کنیم، می‌بینیم ابتدایی‌تر است، زبان شکل نگرفته و مبهم است و یک سری نکات دستوری دارد. من کلا به شعر در قالب‌های کلاسیک بیشتر علاقه دارم و شعر خودم هم همان‌طور شد. البته شاید این موضوع به نسلم هم مربوط باشد. من متولد دهه شصت هستم و دهه شصتی‌ها شاید بیشتر غزل دوست داشته باشند. شاید اگر دهه هشتادی بودم، مدل دیگری می‌نوشتم. به هر حال، فکر می‌کنم این سبک به مرور شکل گرفته است؛ زیرا بخشی از آن حاصل آموزش و فضای انجمنی است. در انجمن‌هایی که حضور داشتم، شعر شنیدم، شعر خواندم و نقد شدم. اکثر دوستان هم در آنجا سنتی و کلاسیک می‌سرودند.

شما دنیا را در حد نور و سایه‌روشن می‌بینید. این مدل دیدن چه تأثیری بر اشعارتان گذاشته و چطور جهان تخیلی و شعری شما را شکل داده است؟

مشکل چشمی من «آر پی» و مربوط به شبکیه است. از ابتدا دیدم کامل نبود. هیچ‌وقت رنگ‌ها را تشخیص نمی‌دادم و دنیای رنگ‌ها برای من دنیای بسیار قشنگ و زیبایی بود. همیشه به عکاسی علاقه داشتم؛ چون وقتی داخل دوربین نگاه می‌کردم، همه چیز را پررنگ‌تر می‌دیدم و برایم خیلی جالب بود. به مرور زمان، همان مقدار بسیار کمِ بینایی که از ابتدا داشتم (زیر یک درصد)، با پیشرفت بیماری شبکیه از دست رفت و الان در حد نور می‌بینم. بنابراین، تجربه بصری من محدود به نور است؛ اما تجربیات و تصاویری که در ذهن دارم، هرچند شاید کامل نباشند، باقی مانده‌اند. مثلا من شاید یک درخت را با تمام جزئیاتش هیچ‌وقت در ذهنم نداشته باشم؛ اما خود «درخت» را در ذهن دارم و این تصویر در ذهنم همیشه پررنگ است. منی که الان نمی‌بینم، دوست دارم تصورش کنم و دوست ندارم چیزهایی که دیده‌ام، در ذهنم فراموش شود. برای همین، یکی از ویژگی‌هایی که درباره شعر من می‌گویند، این است که شعرهایم «تصویری» است؛ چون خودم نمی‌خواستم تصویرها از ذهنم پاک بشود. توضیح دادنش شاید کمی سخت باشد؛ اما همیشه سعی می‌کنم در ذهنم تصویر به تصویر جلو بروم.

یعنی شعر باعث شده تصاویر و زیبایی‌ها را از یاد نبرید و در ذهنتان ثبتشان کنید؟

دقیقا، تا آن‌ها را با تخیلم یادآوری کنم. در حالت عادی، انسان نمی‌نشیند همین‌طور تخیل کند و به خیالش بال‌وپر بدهد. یک جورهایی غیرعادی به نظر می‌رسد. اما ماهیت شعر، داشتن تخیل است و این به من کمک می‌کند که داشته‌های تصویری قدیمی‌ام را از یاد نبرم.

تا به حال شده تصویری را در شعرتان توصیف کنید که آن را به معنای متعارف و واقعی‌اش تجربه نکرده‌اید، اما در ذهنتان کاملا زنده باشد؟

اوایل که شعر می‌گفتم، با توجه به اینکه بینایی را به معنای کامل نداشتم، خیلی از مفاهیم اشعارم انتزاعی بود و کسانی که اشعارم را می‌خواندند، منظورم را درک نمی‌کردند. از نظر خودم و با توجه به خیال و ذهنیت خودم همه چیز کاملا درست و بجا بود؛ اما بعدا یاد گرفتم که متعارف‌تر بنویسم و منظورم را بیشتر وارد شعر کنم. این کار خیلی سختی بود؛ چون من تجربه دیدنِ عادی را نداشتم؛ اما کم‌کم یاد گرفتم طوری بنویسم که برای مخاطب ملموس باشد و فقط به زاویه دید خودم به عنوان شاعر توجه نکنم. من یک سری تصاویر را هرگز ندیده‌ام؛ مثلا من هیچ‌وقت غروب و طلوع خورشید را درست ندیده‌ام، هیچ‌وقت ستاره یا امواج دریا را ندیده‌ام؛ اما خیالم آن‌ها را برای من توصیف کرده است. دریایی که من می‌بینم، سطحی صاف است که با صدای امواجش به من نشان می‌دهد در حال حرکت است. توصیف آنچه من می‌بینم، با آنچه شما می‌بینید، خیلی فرق دارد. یک نقاشی ساده و یک بعدی را در نظر بگیرید. وقتی من می‌نویسم «دریا مواج است»، تصاویری تک بعدی در ذهنم است که بخشی از آن حاصل کتاب خواندن و شنیدن توصیفات دیگران است. هرکسی بنا به شرایط جسمی‌اش متفاوت است. من که نابینا هستم، قدرت شنوایی و لامسه‌ام قوی‌تر بوده و خداوند این قدرت را در اختیارم گذاشته است. همان‌طور که فرد ناشنوا بینایی قوی‌تری دارد، بقیه احساسات من هم به کمک من می‌آیند، به اضافه یک سری دانش که مجبورم اکتسابی به دست بیاورم.

نام کتاب شما «بالاتر از سیاهی» است. این نام از تجربه شخصی شما آمده یا پشتش یک نگاه فلسفی و جهان‌بینی وجود دارد؟

شاید بشود گفت یک جهان‌بینی است. احساس من به زندگی این است که سیاهی، آخر دنیا نیست. هرکس زندگی منِ نابینا را می‌بیند، آن را با سیاهی و تاریکی گره می‌زند. من می‌خواهم بگویم بالاتر از سیاهی، فقط روشنایی و نور و امید است. سیاهی پایان کار نیست. اصلا تو باید از سیاهی رد بشوی تا به نور برسی. اینکه می‌گویند «بالاتر از سیاهی رنگی نیست»، به نظر من یک اشتباه خیلی بزرگ است. تا وقتی سیاهی تجربه نشود، نور هم تجربه نمی‌شود. تو باید از سیاهی عبور کنی تا ببینی بالاتر از سیاهی چیست. بالاتر از سیاهی فقط نور و روشنایی است.

کتاب شما به خط بریل هم چاپ شده است؟

بله، کتابم را علاوه بر نسخه بینایی، مؤسسه آموزشی «ابابصیر» در اصفهان و «کتابخانه رودکی» در تهران به خط بریل برای نابینایان چاپ کرده‌اند.

پس شما در همه زمینه‌ها آموزش‌هایتان را با خط بریل دیده‌اید.

بله. البته کتاب‌های بریل حجم بسیار زیادی دارند. حجم قرآن با ترجمه را در نظر بگیرید. کتاب بریل بدون ترجمه مثلا ۱۰ جلد است و با ترجمه ۳۰ جلد می‌شود. به همین دلیل، از جایی به بعد نیاز شد که از کتاب‌های صوتی یا نرم‌افزارهای گویاساز الکترونیکی استفاده کنم. امروزه، خوشبختانه با وجود نرم‌افزارهای تبدیل متن به صوت، امکانات مطالعه برای نابینایان خیلی بیشتر و دسترس‌پذیرتر شده است. من هم تمام آموزش‌هایم را درزمینه حقوق و سایر حوزه‌ها با خط بریل و ابزارهای صوتی دنبال کرده‌ام.

شما وکیل هم هستید. وکالت و شاعری جهان‌های بسیار متفاوتی دارند؛ یکی خیلی خشک است و با استدلال ومنطق و قاعده پیش می‌رود و دیگری بسیار نرم است، تخیل و عاطفه دارد. چطور بین این دو جهان رفت‌وآمد می‌کنید؟

به نظر من هیچ تعارضی ندارند. اگر وکیلی تمام زندگی‌اش خشک باشد، چه لذتی از زندگی می‌برد؟ به نظرم نیاز است که در کنار کار سنگین و پرمسئولیت وکالت، روح انسان بتواند آرامش بگیرد و سبک شود تا بتواند راحت‌تر بار مسئولیت‌هایش را به دوش بکشد. خودم هم اول فکر می‌کردم واقعا تعارض دارند؛ اما وقتی زندگی نویسندگان و شاعران بزرگ را می‌خوانید، می‌بینید خیلی از آن‌ها حقوق خوانده‌اند و اصلا چنین تعارضی وجود ندارد. کسی که دغدغه‌های اجتماعی دارد، حقوق می‌خواند و قاضی یا وکیل می‌شود. شاعر هم کسی است که دغدغه اجتماعی دارد و زبانِ جمع می‌شود. وقتی شعر را برای خودت می‌گویی، دست خودت است؛ اما وقتی قرار است منتشر شود و مخاطب داشته باشد، تو یک مسئولیت اجتماعی داری؛ درست مثل همان کسی که کار حقوقی انجام می‌دهد. هر دو نفر مسئولیت‌های اجتماعی دارند. در دادگاه هم که قرار می‌گیری، مشکلات دیگران را می‌بینی. قرار نیست تمام چیزهایی را که می‌سرایی، صرفا زندگی زیسته خودت باشد. وقتی با موکلم صحبت می‌کنم، مسائل زندگی او هم وارد زندگی زیسته من می‌شود و احساساتی در من ایجاد می‌کند که یک آنِ شاعرانه را شکل می‌دهد. خیلی از شعرهای من اتفاقا از همین مسائل اجتماعی و موکلانم شکل گرفته است.

در پایان، ما را میهمان اشعارتان کنید.

دو بیت از اشعارم را که دوستشان دارم، می‌گویم:

«برای ما که سیاهی گذشته از سرمان/ به جز سفید زمان هیچ ایستگاهی نیست»،

«مشکی نمی‌پوشم، مبادا در سیاهی گم شود دنیا/ من صبحم و حتی برای لحظه‌ای یلدا نخواهم شد»

> وقتی با موکلم صحبت می‌کنم مسائل زندگی او هم وارد زندگی زیسته من می‌شود و احساساتی در من ایجاد می‌کند که یک آنِ شاعرانه را شکل می‌دهد. خیلی از شعرهای من اتفاقا از همین مسائل اجتماعی و موکلانم شکل گرفته است

> منی که الان نمی‌بینم، دوست دارم تصورش کنم و دوست ندارم چیزهایی که دیده‌ام، در ذهنم فراموش شود. برای همین، یکی از ویژگی‌هایی که درباره شعر من می‌گویند، این است که شعرهایم «تصویری» است؛ چون خودم نمی‌خواستم تصویرها از ذهنم پاک بشود

روزنامه را خریداری کنید | به منظور نمایش آگهی‌ها لطفا از طریق سایت جار به نشانی jaaar.com

esfahan ziba online .ir
اصفهان زیبا
شماره ۵۵۰۵
۱۶ / ۰۸ / ۱۴۰۵
شنبه
ویراستار و دبیر صفحه
لیلا مقیمی

هواپیمانشینان دیروز اتوبوس‌سواران امروز!

مقایسه هزینه سفر زمینی و هوایی در ایران و ترکیه، نشان می‌دهد هرچند در زمینه مسافرت زمینی، هزینه‌ها نسبت به حداقل حقوق تقریبا برابر است اما دامنه قیمت مسافرت هوایی در ایران محدود و گرانتر است





لیلا مقیمی
دبیر گروه جامعه

افزایش ۴۰ درصدی بلیت هواپیما در ماه جاری از سوی سازمان هواپیمایی کشور تکذیب شد و این سازمان از شهروندان خواست تا اطلاعات قیمتی را فقط از سامانه‌های معتبر دریافت کنند؛ اما قیمت بلیت هواپیما و همچنین استفاده از این وسیله حمل‌ونقل، برای سفرهای خارجی و داخلی برای اقشار مختلفی از کشور همچنان گران به شمار می‌آید و آن‌ها از پس تأمین آن برنمی‌آیند؛ برای همین هم در خیلی از مواقع مجبور هستند، عطای سوار شدن به هواپیما را به لقایش ببخشند و از وسایل دیگر مثل خودروی شخصی یا اتوبوس و... استفاده کنند.

این موضوعی است که مرکز پژوهش‌های مجلس نیز آن را تأیید می‌کند. براساس نتایج گزارشی تحت عنوان «آسیب‌شناسی لوکس‌انگاری حمل‌ونقل هوایی در قوانین و مقررات کشور» که این مرکز انجام داده و رسانه‌ها نیز آن را منتشر کرده‌اند، ۷۹ درصد افرادی که طی ۲ سال گذشته تمایل به سفر داخلی با هواپیما داشته‌اند، به دلیل گرانی بلیت، از خیر این شیوه سفر گذشته‌اند.

این مسئله برای مقاصدی مانند جزایر کیش و قشم که از سویی هواپیما تنها شیوه متعارف سفر به آن‌هاست و از سوی دیگر بخش مهمی از اقتصاد آن‌ها به حضور گردشگران وابسته است، اهمیت بیشتری دارد. بر اساس این تحلیل کارشناسی، تورم نرخ بلیت هواپیما در مقایسه با سایر ارکان حمل‌ونقل، بازار پروازهای داخلی را به سمت انقباض و کوچک‌تر شدن سوق داده و این فناوری مدرن را از یک ابزار عمومی به امتیازی مختص قشر محدودی از جامعه بدل ساخته است. این افتِ ملموس در تقاضای سفرهای هوایی، طبیعتا بازدهی و صرفه اقتصادی برقراری پرواز در کریدورهای مختلف را به شدت تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و هنگامی که نمودار تعداد مسافران سیر نزولی به خود می‌گیرد، ایرلاین‌ها نیز انگیزه سودآور خود را برای حفظ یا توسعه خطوط پروازی از دست می‌دهند؛ چرخه معلولی که در نهایت دسترسی هوایی را به طور جدی با تهدید و محدودیت مواجه می‌سازد. پیامدهای زنجیره‌وار این بحران، فراتر از افت درآمدی فرودگاه‌هاست؛ از سوی دیگر این عارضه همچون ضربه‌ای مهلک پیکره گردشگری، جریان سرمایه‌گذاری و پویایی اقتصادی شهرهایی را که پتانسیل بالایی در جذب مسافر دارند نیز هدف می‌گیرد.

نانوان از خرید بلیت هواپیما!

حالا بسیاری از افرادی که تا همین دیروز با هواپیما سفر می‌کردند و صرفه‌جویی در وقت برایشان اهمیت داشت، توان خرید بلیت این وسیله حمل‌ونقل را ندارند و به ناچار مجبور به استفاده از گزینه‌های دیگر هستند. گزارش‌ها حاکی از این است که کمتر از یک درصد مسافران بین‌شهری کشور از شیوه حمل‌ونقل هوایی استفاده می‌کنند و گران بودن بلیت هواپیما مهم‌ترین دلیل مسافران برای عدم انتخاب هواپیما در سفرهای بین‌شهری است.

این در حالی است که بررسی آمار کشورهای اتحادیه اروپا و ترکیه نشان می‌دهد نرخ بلیت هواپیما به طور متوسط بین ۱.۵ تا ۲ برابر نرخ بلیت قطار است، درحالی‌که در پاییز سال ۱۴۰۴ بلیت هواپیما در ایران به طور متوسط ۴ برابر نرخ بلیت قطار عرضه شده است.

براساس محاسبات این گزارش، هزینه‌های واقعی سفر هوایی یک مسافر در ایران (مشابه ترکیه و کشورهای اروپایی) در حدود ۲ برابر سفر ریلی بوده، اما توزیع ناموزون یارانه‌ها و تخفیفات دولتی، شکاف نرخ بلیت هواپیما و قطار را بیش از ۴ برابر کرده است.

فرصت برابر در سفر؛ رویای دست‌نیافتنی طبقات فرودست

جست‌وجوی نرخ بلیت اتوبوس از اصفهان تا تهران حاکی از این است مسافرانی که این وسیله حمل‌ونقل را برای تردد بین این دو شهر انتخاب کرده‌اند، باید حداقل حدود ۷۰۰ هزار تومان بپردازند؛ این در حالی است که نرخ بلیت اکونومی هواپیما از مبدأ اصفهان به مقصد تهران، از حداقل حدود ۸ میلیون شروع و به بیش از ۱۵ میلیون تومان و حتی بیشتر نیز می‌رسد؛ یعنی هزینه حداقل بلیت هواپیما نسبت به اتوبوس چیزی حدود ۱۱ و نیم برابر است! از سوی دیگر، مدت زمانی که یک فرد برای رسیدن از اصفهان به تهران که تقریبا حدود ۴۰۰ کیلومتر فاصله دارد، طی می‌کند با هواپیما حدود ۴۵ دقیقه تا یک ساعت است؛ درحالی‌که همین فرد اگر تصمیم بگیرد به جای استفاده از هواپیما به دلیل گران بودن با اتوبوس به تهران سفر کند، باید حدود ۶ تا ۷ ساعت در مسیر باشد.

مقایسه این اعداد و ارقام در کشورهایی مثل ترکیه اما چیز دیگری می‌گوید؛ برای مثال، اگر فردی بخواهد با هواپیما از استانبول به ازمیر (که حدود ۳۴۰ کیلومتر به صورت هوایی و ۴۸۰ کیلومتر به صورت جاده‌ای فاصله دارد) سفر کند، باید بین ۱۳ میلیون تومان تا ۱۲۰ میلیون تومان هزینه بپردازد.

اما بررسی‌ها نشان می‌دهد، همین فرد اگر بخواهد به جای هواپیما این مسیر را با اتوبوس سفر کند و حدود ۵ تا ۶ ساعتی در راه باشد، باید حداقل حدود ۵ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان بپردازد؛ البته این نرخ متغیر است و با توجه به زمان سفر و... نیز تغییر می‌کند.

آمارها چه می‌گویند؟

این آمارها در حالی است که حداقل حقوق در ایران و در سال جاری، ۱۶ میلیون و ۶۲۵ هزار و ۵۵۰ تومان است؛ یعنی یک کارگر در ایران، با حداقل حقوق خود، تنها یک بار (رفت و برگشت) می‌تواند با هواپیما از اصفهان به تهران سفر یا ۲۳ بلیت اتوبوس یک‌طرفه تهیه کند.

این در حالی است که گزارش‌ها حاکی از این است که حداقل حقوق در ترکیه براساس گزارش رسانه‌ها و آنچه مؤسسه‌های مهاجرتی عنوان کرده‌اند، حدود ۲۸ هزار و ۷۵ لیر (حدود ۶۵۵.۵ دلار) در سال ۲۰۲۶ است؛ بنابراین یک فرد ترکی با حداقل حقوق خود می‌تواند حداکثر یک و حداقل ۱۱ بلیت هواپیما و حداکثر ۲۸ بلیت یک‌طرفه اتوبوس از استامبول تا ازمیر تهیه کند.

بررسی این آمار نشان می‌دهد، استفاده از هواپیما کم‌کم از سبد حمل‌ونقل شهروندان حذف شده و می‌رود که به خاطره تبدیل شود؛ نرخ بالای بلیت این وسیله حمل‌ونقل حالا به قدری افزایش یافته است که شاید تنها برخی از اقشار خاص بتوانند برای سفرهای خود از آن استفاده کنند؛ موضوعی که پیامدهای مختلفی را به همراه خواهد داشت؛ برای مثال، برای درمان بیماری‌های خاص در پایتخت، شرکت در آزمون‌های استخدامی و... که نیاز به فوریت دارند، حذف حمل و نقل هوایی می‌تواند آسیب‌های زیادی را به همراه داشته باشد. از سوی دیگر حذف هواپیما از دسترس طبقات فرودست، به معنای محرومیت آنان از دسترسی عادلانه به فرصت‌های مرکز است؛ ضمن اینکه وقتی هزینه رفت‌وآمد بالا می‌رود، سرزدن به خانواده و زادگاه در اصفهان یا شهرهای دورتر کاهش می‌یابد. رفت‌وآمدها به دلیل فرسایش مسافت‌های جاده‌ای و فشار اقتصادی به تعویق می‌افتند، و این امر به فرسایش شبکه‌های حمایت سنتی و خانوادگی می‌انجامد.

همان‌طور که در محلات شهری شمال و جنوب شهر شکل می‌گیرد، در ترمینال‌های مسافربری نیز این جداسازی رخ خواهد داد؛ فرودگاه برای اقشار مرفه و مدیران، و پایانه‌های اتوبوسرانی برای لایه‌های فرودست که بار ساعت‌ها توقف و استهلاک جسمانی را بر دوش می‌کشند.

افزایش قیمت بلیت در کنار سرکوب حداقل دستمزد، حمل‌ونقل عمومی را از کارکرد اصلی‌اش به عنوان یک خدمت عمومی و حق بنیادین شهروندی دور کرده و آن را به سازوکار بازتولید طبقاتی تبدیل خواهد کرد؛ چرا که کارگری که با دریافت ۱۶.۶ میلیون تومان باید هزینه‌های سرپناه، تغذیه و سلامت را تأمین کند، اساسا از چرخه استفاده از هواپیما خارج می‌شود.

در غیاب گزینه‌های ریلی پرسرعت و ارزان‌قیمت، تفاوت زمان سفر میان تهران و اصفهان به شکافی تبدیل شده که در آن پول، خستگی و فرسایش جسمانی را برای فرودستان می‌خرد و زمان و آسایش را به فرادستان هدیه می‌دهد.

سیاست‌گذاری‌های متناقض و ریشه‌های لوکس‌انگاری هوایی

حالا، گرانی نرخ بلیت هواپیما باعث شده تا خیلی‌ها آن را وسیله‌ای لوکس و متعلق به اقشار خاصی از جامعه بدانند؛ اما نتایج گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس به ابعاد دیگر این موضوع نیز اشاره دارد. بر این اساس، اخذ مالیات بر ارزش‌افزوده، کاهش یارانه سوخت و کاهش تخفیفات دولتی صرفا در حمل‌ونقل هوایی از جمله این نوع سیاست‌گذاری متمایز بین حمل‌ونقل هوایی و زمینی در چند سال اخیر هستند.

حمل‌ونقل هوایی لوکس انگاشته شده و سیاست کاهش قابل‌توجه یارانه‌های حمل‌ونقل هوایی با وجود تداوم یارانه‌های حمل‌ونقل زمینی، پیگیری و اجرا می‌شود

یک کارگر در ایران، با حداقل حقوق خود، تنها یکبار (رفت و برگشت) می‌تواند با هواپیما از اصفهان به تهران سفر یا ۲۳ بلیت اتوبوس یک طرفه تهیه کند

- **افزایش ۴۰ درصدی بلیت هواپیما در ماه جاری از سوی سازمان هواپیمایی کشور تکذیب شد.**
- **۷۹ درصد افرادی که طی ۲ سال گذشته تمایل به سفر داخلی با هواپیما داشته‌اند، به دلیل گرانی بلیت، از خیر این شیوه سفر گذشته‌اند.**
- **کمتر از یک درصد مسافران بین‌شهری کشور از شیوه حمل‌ونقل هوایی استفاده می‌کنند و گران بودن بلیت هواپیما مهم‌ترین دلیل مسافران برای عدم انتخاب هواپیما در سفرهای بین‌شهری است.**
- **بررسی آمار کشورهای اتحادیه اروپا و ترکیه نشان می‌دهد نرخ بلیت هواپیما به طور متوسط بین ۱.۵ تا ۲ برابر نرخ بلیت قطار است، درحالی‌که در پاییز سال ۱۴۰۴ بلیت هواپیما در ایران به طور متوسط ۴ برابر نرخ بلیت قطار عرضه شده است.**
- **نرخ بلیت اکونومی هواپیما از مبدأ اصفهان به مقصد تهران، از حداقل حدود ۸ میلیون شروع و به بیش از ۱۵ میلیون تومان و حتی بیشتر نیز می‌رسد.**
- **تقاضای سفر هوایی ذاتا کم نیست. در کشورهای عضو اتحادیه اروپا سهم پروازهای داخلی از حمل‌ونقل عمومی بین‌شهری از مجموع سهم قطار و اتوبوس (برحسب نفر-کیلومتر) بیشتر است.**
- **در مهرماه ۱۴۰۴، حدود ۱۷.۵ درصد شهرنشینان حداقل یک‌بار در سال از حمل‌ونقل هوایی استفاده می‌کنند.**
- **حمل‌ونقل هوایی لوکس انگاشته شده و سیاست کاهش قابل‌توجه یارانه‌های حمل‌ونقل هوایی با وجود تداوم یارانه‌های حمل‌ونقل زمینی، پیگیری و اجرا می‌شود.**

علاوه بر این، در سال ۱۴۰۳ دولت برنامه حذف کامل یارانه سوخت هواپیما تا سال ۱۴۰۶ را تصویب کرد و مرحله اول آن در قانون بودجه سال ۱۴۰۴ با حذف ۳۰ درصد یارانه سوخت هواپیما محقق شد. مرحله دوم، در لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ پیشنهاد شد اما به تصویب مجلس نرسید.

اما همچنان حذف کامل یارانه سوخت هواپیما در حالی در دستور کار دولت قرار دارد که برنامه‌ریزی و اقدام مشخصی برای کاهش یارانه سوخت حمل‌ونقل زمینی صورت نگرفته است. بنابراین احتمال افزایش چشمگیر اختلاف نرخ حمل‌ونقل هوایی و زمینی در آینده بسیار جدی است.

دلیل مورد حمایت قرار گرفتن حمل‌ونقل زمینی بیش از حمل‌ونقل هوایی ریشه در لوکس‌انگاری حمل‌ونقل هوایی از سوی سیاست‌گذاران کشور دارد؛ به طوری‌که تصور می‌شود این شیوه حمل‌ونقل ماهیتا گران و با تعداد مسافر اندک و مخصوص افراد متمول است و لذا گران‌تر شدن آن با وجود تداوم یارانه‌های قابل توجه حمل‌ونقل زمینی برای کشور چندان آسیب‌زا نخواهد بود.

اما بررسی‌های این مطالعه نشان می‌دهد این دلایل فاقد اعتبار هستند؛ چرا که تقاضای سفر هوایی ذاتا کم نیست. در کشورهای عضو اتحادیه اروپا سهم پروازهای داخلی از حمل‌ونقل عمومی بین‌شهری از مجموع سهم قطار و اتوبوس (برحسب نفر-کیلومتر) بیشتر است.

در ایران نیز طبق نتایج پیمایش مرکز افکارسنجی ملت، در مهرماه ۱۴۰۴، حدود ۱۷.۵ درصد شهرنشینان حداقل یک‌بار در سال از حمل‌ونقل هوایی استفاده می‌کنند. همچنین نحوه سیاست‌گذاری برخی کشورها در رابطه با حمل‌ونقل هوایی نشان می‌دهد حمل‌ونقل هوایی در میان کشورهای جهان لوکس تلقی نمی‌شود؛ به طوری‌که حمل‌ونقل هوایی به صورت برابر و در برخی موارد بیش از حمل‌ونقل زمینی مورد حمایت و مستحق دریافت تخفیفات قرار می‌گیرد؛ ازجمله معافیت از مالیات و عوارض سوخت هواپیما در ترکیه، چین، آلمان و فرانسه (درحالی‌که بنزین و گازوئیل مشمول عوارض و مالیات هستند) و پرداخت یارانه در برخی مسیرهای هوایی در آمریکا، اتحادیه اروپا، کانادا و روسیه.

نتایج پیمایش مرکز افکارسنجی ملت، آمار درگاه‌های فروش برخط بلیت هواپیما و مقایسه آمار تعداد هواپیمای فعال کنونی و سال ۱۳۹۸ نشان می‌دهد در حال حاضر ظرفیت عرضه صندلی، عامل محدودکننده‌ای برای افزایش تقاضا نیست. کم بودن قدرت خرید مردم زمانی به مانعی واقعی برای انتخاب سفر هوایی تبدیل می‌شود که اختلاف قیمت بین سفر هوایی و زمینی آن قدر زیاد باشد که نتواند صرفه زمانی سفر هوایی را توجیه کند.

در واقع هزینه چند برابری حمل‌ونقل هوایی نسبت به زمینی در ایران عامل اصلی کاهش تقاضا بوده که با کم شدن قدرت خرید (ارزش زمان) مردم، بروز بیشتری پیدا کرده است.

بنابراین با کاهش اختلاف هزینه بین حمل‌ونقل هوایی و زمینی به سطحی مشابه ترکیه و کشورهای اتحادیه اروپا، کم بودن قدرت خرید مردم اثرگذاری کمتری بر تقاضای سفر هوایی خواهد داشت. یافته‌های مرکز پژوهش‌ها نشان می‌دهد، با تکیه بر تصورات نادرست فوق، حمل‌ونقل هوایی لوکس انگاشته شده و سیاست کاهش قابل توجه یارانه‌های حمل‌ونقل هوایی با وجود تداوم یارانه‌های حمل‌ونقل زمینی، پیگیری و اجرا می‌شود.

درنتیجه، کشور در یک چرخه ناکارآمد سیاست‌گذاری در رابطه با حمل‌ونقل هوایی قرار گرفته که «لوکس‌انگاری حمل‌ونقل هوایی» و «افزایش اختلاف قیمت حمل‌ونقل زمینی و هوایی» در سیاست‌گذاری‌های کشور همدیگر را تشدید می‌کنند و ماحصل آن کوچک‌تر شدن بازار حمل‌ونقل هوایی ایران است.

در این زمینه، موضوع تنظیم سهم شیوه‌های حمل‌ونقل از سال ۱۳۷۹ در سیاست‌های کلی نظام در بخش حمل‌ونقل ابلاغ شده است.

اجرای این تکلیف می‌توانست جایگاه هر یک از شیوه‌های حمل‌ونقل در سیاست‌های حمایتی و نظارتی دولت در بخش حمل‌ونقل را تعیین کند. اما تاکنون سهم بهینه هر یک از شیوه‌های حمل‌ونقل در ایران تعیین نشده است.

حذف حمل‌ونقل هوایی از سبد خانوارها

با این وجود، در سال‌های اخیر نرخ بلیت هواپیما به قدری افزایش یافته است که حالا بسیاری از خانواده‌هایی که تا پیش از این توان استفاده از این وسیله حمل‌ونقل را داشتند، امروز آن را از سبد خود حذف کرده و توان استفاده از آن را ندارند.

مسیر و شیوه سفر	بهای بلیت	توان خرید با حداقل دستمزد
تهران-اصفهان اتوبوس	حدود ۷۰۰ هزار تومان	حداکثر ۲۳ بلیت یک‌طرفه
تهران-اصفهان هواپیما	۸ میلیون تا بیش از ۱۵ میلیون تومان	تنها ۱ بلیت رفت و برگشت
استانبول-ازمیر اتوبوس	از ۵ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان	حداکثر ۲۸ بلیت یک‌طرفه
استانبول-ازمیر هواپیما	۱۳ تا ۱۲۰ میلیون	حداقل یک و حداکثر ۱۱ بلیت یک‌طرفه

شرکت پیام اصفهان زیبا

صاحب امتیاز شرکت فرهنگی هنری مطبوعاتی پیام اصفهان زیبا
مدیرمسئول دکتر علی قاسم‌زاده
مدیرعامل سید علیرضا حسینی
سردبیر محمدحسین اعتزازیان

معاون بازرگانی سید محمدوحید حکیم‌فعال
معاون اداری و مالی جواد علینقیان

هیئت تحریریه فرشاد توسلی، مریم نقیان و فاطمه رجب‌زاده (فرهنگ و اندیشه) زهره سادات کاظمی، زهره قندهاری و سارا حفیظی (هم‌محله)، پگاه ظاهری، مینا ایزدی و منیره سادات کاویانی (اقتصاد و سیاست) محمدحسین اعتزازیان و لیلا مقیمی (روایت شهر و جامعه)، سیده نرگس نظام‌الدین (هنر و ادبیات)، زینب تاج‌الدین (پایداری)، جواد جلوانی (تاریخ شفاهی) مهری مصور (ورزش)

گرافیک علیرضا مظاهری
علی نصر آزادانی و سولماز رجبی
سرویراستار عذرا دیانی
عکس حمیدرضا نیکومرام
چندرسانه‌ای سیدمیلاد میردامادی
حسین کشکولیان و امید هاشم‌زاده
مجازی و شبکه‌های اجتماعی مهدی سروری
زهرا توکلی، لیلا کهلانی
فناوری اطلاعات محمد کاظم کمالی

اصفهان زیبا
صدای مطالبات مردم اصفهان
esfahanzibaonline.ir
eitaa.com/esfzibanews
اصفهان، خیابان فردوسی بن‌بست امام (شماره ۱۵)
تلفن ۰۳۱-۳۲۲۲۵۲۵۱
حرف مردم ۵۰۰۰۴۰۰۰۲۵۲۴
امور آگهی‌ها ۰۳۱-۳۲۲۲۵۲۵۸
چاپ موسسه جام جم برتر برنا

برترین روزنامه استانی در ایران دارای امتیاز ۹۲,۲ در رده‌بندی مطبوعات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

هم‌محله ویژه‌نامه محلات شهر اصفهان
روایت خرد و خوراک ویژه‌نامه شهر زندگی و مسائل آن
بیستر چی ویژه‌نامه پایداری اصفهان
حومه ویژه‌نامه تاریخ انقلاب اسلامی
گردشگر مشتری ویژه‌نامه میراث و گردشگری اصفهان
تسنیم رسانه اقتصادی اصفهان
ESFAHAN ZIBA-Online en.esfahanzibaonline.ir